

بیمه اتکایی تهران



ترجمه ICP۱۶

Enterprise risk management for
solvency purposes

(مدیریت ریسک سازمان برای اهداف توانگری مالی)

شهریور ۱۴۰۴

واحد مدیریت ریسک



TEHRAN RE
بیمه اتکایی تهران

ICP16: نهاد ناظر، شرکت بیمه را ملزم می‌کند که در سیستم مدیریت ریسک خود، یک چارچوب مدیریت ریسک سازمانی (ERM) برای اهداف توانگری مالی ایجاد کند تا ریسک‌های بیمه‌گر را به شیوه‌ای مداوم و یکپارچه شناسایی، اندازه‌گیری، گزارش و مدیریت کند.

راهنمای مقدماتی

۱۶/۰/۱. مدیریت ریسک سازمانی (ERM) برای اهداف توانگری، هماهنگی میان مدیریت ریسک، برنامه‌ریزی استراتژیک، کفایت سرمایه و کارایی مالی^۱ به منظور افزایش عملکرد صحیح بیمه‌گر و تضمین حفاظت کافی از بیمه‌گزاران است. کفایت سرمایه، ارزیابی بیمه‌گر از ریسک باقیمانده کسب و کار خود را پس از اثری که سیستم مدیریت ریسک در کاهش ریسک دارد، اندازه‌گیری می‌کند. هر تصمیمی که بر مدیریت ریسک، برنامه‌ریزی استراتژیک یا سرمایه تأثیر بگذارد، احتمالاً مستلزم تغییر در یک یا هر دو مورد دیگر خواهد بود. اجرای موفقیت‌آمیز مدیریت ریسک سازمانی برای اهداف توانگری منجر به افزایش بینش در مورد مشخصات ریسک و موقعیت توانگری بیمه‌گر می‌شود که فرهنگ ریسک، ثبات درآمد، سودآوری پایدار، بقای بلندمدت بیمه‌گر و توانایی پرداخت تعهدات به بیمه‌گزاران را ارتقا می‌دهد. این مسئله که به طور کلی در صنعت به کار گرفته می‌شود، از عملکرد و وضعیت مالی بخش بیمه پشتیبانی می‌کند. همچنین مدیریت ریسک سازمانی برای اهداف توانگری مالی باید با دیدگاهی کاربردی مورد تشویق قرار گیرد.

۱۶/۰/۲. چارچوب مدیریت ریسک سازمانی برای اهداف توانگری مالی مجموعه‌ای یکپارچه از استراتژی‌ها، سیاست‌ها و فرآیندهایی است که توسط بیمه‌گر برای اجرای مؤثر این موضوع ایجاد شده است.

۱۶/۰/۳. اجزای چارچوب ERM که در این بخش از سند ICP پوشش داده شده عبارتند از:

- شناسایی ریسک شامل ریسک کل گروه و روابط بین ریسک‌ها
- روش‌های کمی برای اندازه‌گیری ریسک
- رابطه متقابل اشتباهات ریسک، محدودیت‌های ریسک و کفایت سرمایه
- بیانیه اشتباهات ریسک
- مدیریت دارایی بدهی، سیاست‌های مدیریت ریسک سرمایه‌گذاری، بیمه‌گری و نقدینگی
- ارزیابی توانگری و ریسک خود (ORSA)
- برنامه ترمیم

^۱ financial efficiency

۱۶/۰/۴. چارچوب مدیریت ریسک سازمانی باید در سیستم مدیریت ریسک شرکت بیمه ادغام شود. (به ICPA با موضوع مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی رجوع کنید)

۱۶/۰/۵. برای داشتن یک دیدگاه جامع از ریسک در سطح بنگاه اقتصادی، چارچوب مدیریت ریسک سازمانی باید درک بیمه‌گر را از انواع ریسک‌های اساسی، ویژگی‌های آن‌ها، وابستگی‌های متقابل و منابع ریسک‌ها و همچنین تأثیر مالی تجمیع‌شده و بالقوه آن‌ها بر کسب‌وکار افزایش دهد. مدیریت ارشد باید درک درستی از مسائل ریسک سازمانی داشته و تمایل و توانایی خود را برای رسیدگی به این مسائل نشان دهد. یکی از جنبه‌های اساسی مدیریت ریسک سازمانی، توسعه و اجرای یک رویکرد منسجم، شفاف، آگاهانه و سیستماتیک برای مدیریت ریسک‌ها به صورت مداوم - چه به صورت جداگانه و چه به صورت کلی - است تا توانگری مالی و عملکرد در محدوده اشتباهات ریسک و محدودیت‌های ریسک حفظ شود. مدیریت ریسک سازمانی باید در فرهنگ سازمانی یک شرکت بیمه گنجانده شود تا اطمینان حاصل شود که کل سازمان در آگاهی از ریسک، حلقه‌های بازخورد و پاسخ‌های هماهنگ به نیازهای مدیریت ریسک مشارکت دارد.

۱۶/۰/۶. هدف ERM حذف ریسک نیست، بلکه مدیریت ریسک‌ها در چارچوبی است که شامل محدودیت‌های خودخواسته باشد. در تعیین محدودیت برای ریسک، بیمه‌گر باید وضعیت توانگری مالی و میزان اشتباهات ریسک خود را در نظر بگیرد. محدودیت‌های ریسک باید پس از بررسی دقیق اهداف استراتژیک، برنامه‌های تجاری و شرایط شرکت تعیین شده و نتایج پیش‌بینی‌شده سناریوهای اجرا شده با استفاده از طیف وسیعی از فرضیات تجاری محتمل آینده (که منعکس‌کننده سناریوهای نامطلوب کافی هستند) را در نظر بگیرند. از محدودیت‌های ریسک برای ایجاد حفاظ‌هایی در پروفایل ریسک یک بیمه‌گر استفاده می‌شود تا بازده آن را بدون اینکه توانایی بیمه‌گر در انجام تعهدات خود به بیمه‌گذاران را به خطر بیندازد، بهینه کند.

۱۶/۰/۷. برخی از شرکت‌های بیمه ممکن است از مدل‌های داخلی به عنوان بخشی از فرآیند ERM خود استفاده کنند تا معیارهای ریسک پیچیده‌ای را برای اطلاع‌رسانی در مورد اقدامات مدیریتی و نیازهای سرمایه‌ای ایجاد کنند. مدل‌های داخلی ممکن است مدیریت ریسک را بهبود داده و فرهنگ ریسک را در شرکت بیمه نهادینه کنند. آن‌ها ممکن است یک مبنای اندازه‌گیری مشترک در بین همه ریسک‌ها (مثلاً روش‌شناسی یکسان، افق زمانی، معیار ریسک، سطح اطمینان) ارائه داده و تصمیم‌گیری استراتژیک مبتنی بر ریسک را در سراسر سازمان تقویت کنند. چنین رویکردی معمولاً یک رویکرد ترازنامه کل^۲ را اتخاذ می‌کند که در آن تأثیر کل ریسک‌های مهم به طور کامل بر مبنای اقتصادی شناخته می‌شود.

^۲ A total balance sheet approach

رویکرد ترازنامه کل، وابستگی متقابل بین دارایی‌ها، بدهی‌ها، نیازها و منابع سرمایه‌ای را منعکس کرده و تخصیص سرمایه کافی برای محافظت از شرکت بیمه و بیمه‌گذاران آن و همچنین بهبود کارایی سرمایه را مشخص می‌کند.

۱۶/۰/۸. شرکت بیمه باید حاکمیت شرکتی و کنترل‌های داخلی کافی برای مدل‌های مورد استفاده در چارچوب ERM داشته باشد. محاسبه معیارهای ریسک باید شفاف، قابل پشتیبانی و تکرارپذیر باشد. ۱۶/۰/۹. یک شرکت بیمه باید برنامه‌های اضطراری داشته باشد که از قبل، اقدامات و منابع لازم برای محدود کردن اختلال در کسب و کار و زیان‌های ناشی از یک رویداد مالی نامطلوب (مانند قرار گرفتن در معرض ریسک بیش از حد مجاز) یا یک رویداد عملیاتی (مانند یک فاجعه طبیعی) را شرح دهد. برنامه‌ریزی اضطراری ممکن است در صورت لزوم شامل یک طرح ترمیم باشد.

چارچوب ERM - شناسایی ریسک

۱۶/۱. ناظر، چارچوب مدیریت ریسک کسب‌وکار (ERM) بیمه‌گر را ملزم می‌کند که شناسایی تمام ریسک‌های بااهمیت و وابستگی‌های متقابل ریسک را برای مدیریت ریسک و سرمایه فراهم کند.

۱۶/۱/۱. دامنه شناسایی و تحلیل وابستگی‌های متقابل ریسک باید حداقل موارد زیر را پوشش دهد: ریسک بیمه‌گری، ریسک بازار، ریسک اعتباری، ریسک تمرکز، ریسک عملیاتی و ریسک نقدینگی. سایر ریسک‌ها ممکن است شامل ریسک رفتاری، ریسک حقوقی، ریسک سیاسی، ریسک شهرت، ریسک استراتژیک، ریسک گروه، ریسک مرتبط با آب و هوا و سایر ریسک‌های نوظهور باشند.

منابع ریسک و رابطه بین ریسک‌ها

۱۶/۱/۲. یک شرکت بیمه باید منابع ریسک‌های مختلف و تأثیرات آن‌ها را در نظر گرفته و رابطه بین موارد در معرض ریسک^۳ را ارزیابی کند. با انجام این کار، یک شرکت بیمه می‌تواند نقاط قوت و ضعف در حاکمیت، عملکردهای کنترلی و واحدهای تجاری را بهتر شناسایی کند. شرکت بیمه باید از سیاست‌ها، تکنیک‌ها و شیوه‌های مدیریت ریسک استفاده کرده و آن‌ها را بهبود بخشد و در صورت لزوم ساختار سازمانی خود را برای انجام این بهبودها تغییر دهد.

۱۶/۱/۳. بیمه‌گر همچنین باید عوامل ریسک خارجی را که در صورت بروز، می‌توانند تهدید قابل توجهی برای کسب و کارش ایجاد کنند، ارزیابی کند. باید توجه ویژه‌ای به این موضوع شود که آیا ریسک‌های نوظهور جدید و قابل پیش‌بینی یا تغییراتی در منابع و یا اهمیت ریسک‌های موجود (به عنوان مثال، ریسک‌های مرتبط با آب و هوا یا روندهای ژئوپلیتیکی) وجود دارد یا خیر؟

^۳ Risk Exposures

۱۶/۱/۴. در ارزیابی رابطه بین موارد در معرض ریسک، باید به همبستگی بین دنباله‌های پروفایل ریسک توجه شود. به عنوان مثال، ریسک‌هایی که در شرایط اقتصادی عادی وابستگی قوی نشان نمی‌دهند (مانند ریسک وقایع فاجعه‌آمیز و ریسک بازار) می‌توانند در شرایط استرس، همبستگی بیشتری داشته باشند.

۱۶/۱/۵. در ارزیابی ریسک باید ریسک‌های اقتصاد کلان را در نظر بگیرید. به عنوان مثال، یک بیمه‌گر باید وابستگی‌های متقابل بین ضمانت‌ها و اختیار معامله تبعی، دارایی‌های پشتیبان آن محصولات، بازارهای مالی و اقتصاد واقعی را در نظر بگیرد.

۱۶/۱/۶. منابع ریسک ممکن است شامل بلایای طبیعی یا سایر فجایع، تنزل رتبه از سوی آژانس‌های رتبه‌بندی یا سایر رویدادهایی باشد که ممکن است تأثیر نامطلوبی بر وضعیت مالی و اعتبار بیمه‌گر داشته باشند. این رویدادها می‌توانند منجر به سطح غیرمنتظره‌ای از خسارات، درخواست وثیقه یا فسخ قرارداد بیمه‌گذار شده و حتی ممکن است به مشکلات جدی نقدینگی منجر شوند. چارچوب مدیریت ریسک سازمانی باید به طور کافی گزینه‌های بیمه‌گر را برای واکنش به چنین رویدادهایی در نظر بگیرد.

ریسک گروه

۱۶/۱/۷. ریسک گروه، ریسکی است که وضعیت مالی یک گروه یا یک شخص حقوقی داخل گروه تحت تأثیر منفی یک رویداد در سطح گروه، در یک شخص حقوقی دیگر یا یک رویداد خارج از گروه قرار گیرد. چنین رویدادی ممکن است مالی یا غیرمالی (مانند تجدید ساختار) باشد.

۱۶/۱/۸. به عنوان مثال، ممکن است ریسک گروه از طریق سرایت، اهرم‌سازی، سرمایه‌گذاری مضاعف یا چندگانه، تمرکز، اکسپوژن‌های بزرگ و پیچیدگی فعالیت ایجاد شوند. مشارکت‌ها، وام‌ها، ضمانت‌نامه‌ها، انتقال ریسک، نقدینگی، ترتیبات برون‌سپاری و ریسک‌های خارج از ترازنامه، همگی ممکن است منجر به ریسک گروه شوند. بسیاری از این ریسک‌ها ممکن است توسط اشخاص حقوقی بیمه مستقل تحمل شده و مختص یک شخص حقوقی که بخشی از یک گروه است، نیستند. با این حال، روابط متقابل بین اشخاص حقوقی در یک گروه شامل جنبه‌های کنترل، نفوذ و وابستگی متقابل، تأثیر ریسک‌ها بر اشخاص حقوقی را تغییر می‌دهد؛ بنابراین، چنین مسائلی باید به طور کلی در مدیریت ریسک‌های یک شخص حقوقی در گروه بیمه و کل گروه در نظر گرفته شوند.

جنبه‌های گروهی

۱۶/۱/۹. چارچوب مدیریت ریسک سازمانی یک گروه بیمه باید به روابط متقابل مستقیم و غیرمستقیم بین اشخاص حقوقی درون گروه بیمه بپردازد. هرچه این روابط واضح‌تر و قابل فهم‌تر باشند، می‌توان آنها را با دقت بیشتری در ارزیابی توانگری مالی در سطح گروه لحاظ کرد. برای مثال، ابزارهای انتقال سرمایه و ریسک که از نظر قانونی لازم‌الاجرا هستند، بین اشخاص حقوقی درون یک گروه می‌توانند به

اثربخشی چارچوب مدیریت ریسک سازمانی آن برای اهداف ارزیابی توانگری مالی در سطح گروه کمک کنند. به منظور اثربخشی، مدیریت ریسک گروه باید ریسک‌های ناشی از تمام بخش‌های آن گروه، شامل اشخاص حقوقی غیربیمه (تحت نظارت یا بدون نظارت) و اشخاص دارای مالکیت جزئی را در نظر بگیرد. ۱۶/۱/۱۰. فرضیاتی که در ارزیابی توانگری یک شخصیت حقوقی بیمه به طور ضمنی وجود دارند، ممکن است به دلیل تفکیک شخصیت‌های حقوقی در گروه بیمه، در سطح یک گروه بیمه اعمال نشوند. به عنوان مثال، ممکن است محدودیت‌های اندکی در مورد قابلیت تبدیل سرمایه و قابلیت انتقال دارایی‌ها در یک شخصیت حقوقی بیمه وجود داشته باشد؛ البته اگر وجود داشته باشد. با این حال، چنین محدودیت‌هایی ممکن است برای یک گروه بیمه بسیار برجسته‌تر باشند و ممکن است میزان تقسیم مزایای تنوع ریسک‌ها در سراسر گروه بین شخصیت‌های حقوقی درون گروه بیمه را محدود کنند. چنین محدودیت‌هایی باید هم در چارچوب‌های مدیریت ریسک سازمانی گروه بیمه و هم در چارچوب‌های نهاد حقوقی زیرمجموعه بیمه در نظر گرفته شوند.

چارچوب ERM - روش‌های کمی برای اندازه‌گیری ریسک

۱۶/۲. نهاد ناظر، چارچوب مدیریت ریسک سازمانی بیمه‌گر را ملزم به موارد زیر می‌کند:

- امکان کمی‌سازی ریسک و وابستگی‌های متقابل ریسک را تحت طیف وسیعی از تکنیک‌های مدیریت ریسک و سرمایه فراهم کند؛
- در صورت لزوم، انجام آزمون استرس را برای ارزیابی تاب‌آوری کل ترازنامه خود در برابر فشارهای اقتصاد کلان لحاظ کند.

اندازه‌گیری، ارزیابی و مدل‌سازی سطح ریسک

۱۶/۲/۱. سطح ریسک ترکیبی از شدت اثر ریسک بر بیمه‌گر و احتمال تحقق آن ریسک است. بیمه‌گر باید با استفاده از تکنیک‌های کمی آینده‌نگر مناسب (مانند مدل‌سازی ریسک، آزمون استرس، از جمله آزمون استرس معکوس و تحلیل سناریو) سطح ریسکی را که متحمل می‌شود، دائماً ارزیابی کند. طیف مناسبی از شرایط و رویدادهای نامطلوب، از جمله مواردی که تهدید قابل توجهی برای وضعیت مالی بیمه‌گر ایجاد می‌کنند، باید در نظر گرفته شده و اقدامات مدیریتی باید همراه با زمان‌بندی مناسب شناسایی شوند. تکنیک‌های اندازه‌گیری ریسک همچنین می‌توانند در تدوین برنامه‌های تجاری بلندمدت و اضطراری مورد استفاده قرار گیرند.

۱۶/۲/۲. بسته به ماهیت، مقیاس و پیچیدگی یک ریسک و در دسترس بودن داده‌های قابل اعتماد در مورد رفتار آن ریسک، ممکن است رویکردهای مختلفی برای اندازه‌گیری ریسک مناسب باشند. به عنوان مثال، یک ریسک با فراوانی کم اما تأثیر بالا که داده‌های محدودی در خصوص آن وجود دارد (مانند

ریسک حوادث (فاجعه‌آمیز) ممکن است به رویکردی متفاوت از یک ریسک با فراوانی بالا و تأثیر کم که برای آن مقادیر قابل توجهی از داده‌های تجربی موجود است، نیاز داشته باشد. مدل‌سازی تصادفی ریسک ممکن است برای اندازه‌گیری برخی از ریسک‌ها (مانند فجایع غیرانسانی) مناسب باشد، در حالی که محاسبات نسبتاً ساده ممکن است در شرایط دیگر مناسب باشند. برای ریسک‌های پیچیده با ماهیت بلندمدت و غیرخطی (مانند ریسک‌های مرتبط با آب و هوا)، تحلیل سناریو می‌تواند به عنوان رویکردی برای ارزیابی، به شیوه‌ای آینده‌نگر، میزان ریسک بیمه‌گر و اینکه آیا بیمه‌گر قادر به جذب شوک‌های احتمالی بدون ایجاد تغییرات عملیاتی یا سایر تغییرات است، در نظر گرفته شود.

۱۶/۲/۳. اندازه‌گیری ریسک‌ها باید بر اساس یک ارزیابی اقتصادی منسجم از کل ترازنامه، به طور مناسب باشد تا اطمینان حاصل شود که اقدامات مناسب مدیریت ریسک انجام شده است. در اصل، چارچوب ERM یک بیمه‌گر باید توزیع جریان‌های نقدی آینده را برای اندازه‌گیری سطح ریسک‌ها در نظر بگیرد. بیمه‌گر باید مراقب باشد که تصمیمات خود را صرفاً بر اساس معیارهای حسابداری یا نظارتی که شامل ملاحظات غیراقتصادی هستند، اتخاذ نکند؛ اگرچه محدودیت‌های مربوط به جریان‌های نقدی که آن‌ها نشان می‌دهند باید در نظر گرفته شوند.

جنبه‌های گروهی

۱۶/۲/۴. یک گروه بیمه باید روشن کند که آیا داده‌های مورد استفاده در ارزیابی ریسک مبتنی بر روش تلفیقی^۴، تجمیعی^۵ یا روش دیگری است. گروه بیمه باید هنگام توسعه چارچوب ERM خود، پیامدها و ریسک‌های ذاتی روش انتخاب شده را در نظر بگیرد. به عنوان مثال، معاملات درون گروهی ممکن است در تلفیق حذف شده و بنابراین ممکن است در صورت‌های مالی تلفیقی گروه بیمه در سطح بالا منعکس نشوند. با استفاده از مبنای تلفیقی برای چارچوب ERM، گروه بیمه ممکن است بتواند تنوع ریسک را در نظر گرفته و اعتبار کسب کند. برعکس، استفاده از روش‌های دیگر تجمیع داده ممکن است شناخت جزئی‌تر و دقیق‌تر ریسک را تسهیل کند.

استفاده از مدل‌ها برای ERM

۱۶/۲/۵. اندازه‌گیری ریسک‌های در تاریخ‌های مختلف باید به‌طور گسترده و منسجم انجام شود، که این امر می‌تواند توضیح تغییرات در نتایج را آسان‌تر کند. چنین تحلیلی همچنین به بیمه‌گر در اولویت‌بندی مدیریت ریسک خود کمک می‌کند.

^۴ consolidated

^۵ aggregated

۱۶/۲/۶. صرف نظر از میزان پیچیدگی مدل‌ها، آن‌ها نمی‌توانند دقیقاً دنیای واقعی را تکرار کنند. ریسک‌های مرتبط با استفاده از مدل‌ها (مدل‌سازی و پارامتر ریسک)، اگر به صراحت کمی‌سازی نشده باشند، باید همزمان با اجرای چارچوب ERM توسط بیمه‌گر، از جمله توسط هیئت مدیره و مدیریت ارشد بیمه‌گر، مورد توجه و درک قرار گیرند.

۱۶/۲/۷. مدل‌ها می‌توانند خارجی یا داخلی باشند^۶. مدل‌های خارجی ممکن است برای ارزیابی فجایع یا ریسک‌های بازار استفاده شوند. مدل‌های داخلی ممکن است توسط یک بیمه‌گر برای ارزیابی ریسک‌های بااهمیت خاص یا برای ارزیابی ریسک‌های آن به طور کلی توسعه داده شوند.^۷

۱۶/۲/۸. مدل‌های داخلی می‌توانند نقش مهمی در تسهیل فرآیند مدیریت ریسک ایفا کرده و ناظر باید شرکت‌های بیمه را تشویق کند تا در صورت لزوم، از چنین مدل‌هایی برای بخش‌ها یا تمام کسب‌وکار خود استفاده کنند.

۱۶/۲/۹. یک بیمه‌گر ممکن است اعتقاد داشته باشد که ارزیابی منابع مالی فعلی و محاسبه الزامات سرمایه نظارتی، در صورت مجاز بودن، از طریق استفاده از مدل‌های داخلی، بهتر حاصل می‌شود.

۱۶/۲/۱۰. در صورت استفاده، یک مدل داخلی می‌تواند یک ابزار مهم تصمیم‌گیری استراتژیک و عملیاتی را فراهم کند که باید برای توانمندسازی بیمه‌گر در ادغام فرآیندهای مدیریت ریسک و سرمایه خود مورد استفاده قرار گیرد. به طور خاص، مدل داخلی مورد استفاده برای ORSA باید با مدل‌های سایر فرآیندها در چارچوب ERM سازگار باشد. این موارد عبارتند از: ارزیابی ریسک‌های پیش روی کسب و کار بیمه‌گر؛ ایجاد ساختار محدودیت‌های ریسک؛ و تعیین سرمایه اقتصادی مورد نیاز، در صورت لزوم، برای مقابله با آن ریسک‌ها.

۱۶/۲/۱۱. به منظور اثربخشی، یک مدل داخلی باید تمام ریسک‌های شناسایی‌شده در محدوده خود و وابستگی‌های متقابل آن‌ها را بررسی کرده و تأثیر بالقوه آن‌ها را بر کسب‌وکار بیمه‌گر با توجه به موقعیت‌های احتمالی که ممکن است رخ دهد، ارزیابی کند. روش‌هایی که این تحلیل می‌تواند از طریق آن‌ها انجام شود، از آزمون استرس ساده رویدادها تا مدل‌سازی تصادفی پیچیده‌تر، متغیر است.

۱۶/۲/۱۲. مدل داخلی شرکت بیمه باید بر اساس معیارهای مدل‌سازی تعریف‌شده‌ای تنظیم شود که به اعتقاد شرکت بیمه، سطح سرمایه مناسب و کافی برای دستیابی به طرح تجاری و اهداف استراتژیک آن را تعیین می‌کند. این معیارهای مدل‌سازی ممکن است شامل مبنایی برای ارزیابی دارایی‌ها و بدهی‌ها، سطح اطمینان، معیار ریسک و افق زمانی و همچنین سایر اهداف تجاری (به عنوان مثال، هدف دستیابی به حداقل نرخ سرمایه‌گذاری مشخص) باشد.

^۶ مراد از داخلی مدل‌هایی هستند که توسط سازمان و بر اساس نیازهای شخصی‌سازی شده آن توسعه یافته‌اند.

^۷ مانند توسعه یک مدل توانگری مالی مختص شرکت بیمه برای ارزیابی کل ریسک‌های شرکت.

۱۶/۲/۱۳. یک شرکت بیمه در ساخت مدل داخلی خود، باید تکنیک‌ها و رویکردهای مدل‌سازی ریسکی را اتخاذ کند که متناسب با استراتژی ریسک و برنامه‌های تجاری آن باشد. یک شرکت بیمه ممکن است ورودی‌های مختلفی را برای فرآیند مدل‌سازی در نظر بگیرد، مانند سناریوهای اقتصادی، سبد دارایی‌ها و بدهی‌های حاصل از کسب‌وکارهای جاری یا گذشته، و محدودیت‌های نظارتی در مورد تبدیل دارایی‌ها.

۱۶/۲/۱۴. یک مدل داخلی که برای تعیین سرمایه اقتصادی استفاده می‌شود، می‌تواند بیمه‌گر را قادر سازد تا منابع مالی کافی را برای اطمینان از ادامه ایفای تعهدات بیمه‌گذار در سررسید، در سطح اطمینانی متناسب با اهداف تجاری خود، اختصاص دهد. برای ارزیابی کامل تعهدات بیمه‌گذار به این روش، باید تمام تعهداتی که برای جلوگیری از به خطر انداختن منافع بیمه‌گذار انجام شوند، از جمله هرگونه تعهدی که عدم پرداخت آن می‌تواند منجر به انحلال بیمه‌گر شود، در نظر گرفته شوند.

۱۶/۲/۱۵. اگر یک شرکت بیمه از مدل داخلی خود به عنوان بخشی از فرآیندهای مدیریت ریسک و سرمایه استفاده کند، باید آن را اعتبارسنجی و به طور منظم بررسی کند. اعتبارسنجی باید توسط افراد باتجربه مناسب در یک بخش متفاوت یا افرادی غیر از کسانی که مدل داخلی را ایجاد کرده‌اند، انجام شود تا استقلال تسهیل شود. شرکت بیمه ممکن است بخواهد بررسی بیرونی مدل داخلی خود را توسط متخصصان مناسب در نظر بگیرد. به عنوان مثال، اگر بررسی داخلی را نتوان با استقلال کافی انجام داد، ممکن است بررسی مستقل ضروری باشد.

۱۶/۲/۱۶. در مواردی که یک ریسک به راحتی قابل اندازه‌گیری نیست یا یک ریسک، ریسک‌های دیگر را تشدید می‌کند (برای مثال، برخی از ریسک‌های عملیاتی، ریسک‌های مرتبط با آب و هوا و یا ریسک شهرت)، بیمه‌گر باید ارزیابی کیفی متناسب با آن ریسک و با جزئیات کافی انجام دهد تا برای مدیریت ریسک مفید باشد. بیمه‌گر باید کنترل‌های لازم برای مدیریت چنین ریسک‌هایی را تجزیه و تحلیل کند تا اطمینان حاصل شود که ارزیابی‌های ریسک آن قابل اعتماد بوده و رویدادهایی را که ممکن است منجر به هزینه‌های عملیاتی بالا یا شکست عملیاتی شوند، در نظر بگیرد. چنین تحلیلی باید به قضاوت‌های بیمه‌گر در ارزیابی اندازه ریسک‌ها و بهبود مدیریت کلی ریسک کمک کند.

۱۶/۲/۱۷. حتی در مواردی که استفاده از یک مدل داخلی در سطح شخصیت حقوقی بیمه به دلایلی مانند فقدان داده‌های کافی، رویکرد مناسبی نباشد، ممکن است استفاده از مدل‌های داخلی برای یک گروه مناسب باشد.

آزمون استرس، تحلیل سناریو و آزمون استرس معکوس

۱۶/۲/۱۸. آزمون استرس، تأثیر مالی ناشی از تأکید بر یک یا چند عامل را که می‌تواند به شدت بر بیمه‌گر تأثیر بگذارد، اندازه‌گیری می‌کند. تحلیل سناریو، تأثیر ترکیبی از شرایط را برای انعکاس سناریوهای تاریخی یا سایر سناریوهایی که در پرتو شرایط فعلی تحلیل می‌شوند، در نظر می‌گیرد. تحلیل سناریو ممکن

است به صورت قطعی با استفاده از طیف وسیعی از سناریوهای مشخص یا به صورت تصادفی، با استفاده از مدل‌ها برای شبیه‌سازی سناریوهای ممکن متعدد، برای استخراج توزیع‌های آماری نتایج انجام شود.

۱۶/۲/۱۹. آزمون استرس و تحلیل سناریو باید توسط بیمه‌گر انجام شود تا محدودیت‌های مدل‌های آن اعتبارسنجی و درک شود. همچنین می‌توان از آنها برای تکمیل استفاده از مدل‌ها برای ریسک‌هایی که مدل‌سازی آنها دشوار است یا در مواردی که استفاده از یک مدل از دیدگاه هزینه-فایده مناسب نباشد، استفاده کرد. به عنوان مثال، این تکنیک‌ها می‌توانند برای بررسی تأثیر اقدامات مدیریتی پیشنهادی یا تأثیر تغییرات ریسک مرتبط با آب و هوا در افق‌های زمانی مختلف (کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت) مورد استفاده قرار گیرند.

۱۶/۲/۲۰. تحلیل سناریو می‌تواند به عنوان ابزاری برای انتقال مسائل مدیریت ریسک به هیئت مدیره، مدیریت ارشد، واحدهای تجاری و واحدهای کنترلی مفید باشد. به این ترتیب، تحلیل سناریو می‌تواند ادغام چارچوب مدیریت ریسک بنگاه بیمه‌گر را در عملیات تجاری آن تسهیل کرده و فرهنگ ریسک مناسبی ایجاد کند.

۱۶/۲/۲۱. آزمون استرس معکوس می‌تواند به شناسایی سناریوهایی که می‌توانند منجر به ورشکستگی شده یا باعث شوند وضعیت مالی یک بیمه‌گر به پایین‌تر از سطح از پیش تعریف‌شده سقوط کند، کمک کند. اگرچه همیشه مقداری خطر ورشکستگی وجود دارد، چنین رویکردی می‌تواند به تضمین تمرکز کافی بر اقدامات مدیریتی مناسب برای جلوگیری از ریسک بی‌مورد ورشکستگی کسب‌وکار کمک کند. تمرکز چنین آزمون استرس معکوسی به جای ارزیابی وضعیت مالی آن ریسک - که شاید تا حد زیادی ماهیت کیفی داشته باشد - بر اقدامات مناسب مدیریت ریسک است؛ اگرچه ارزیابی گسترده تأثیرات مالی مرتبط می‌تواند در تصمیم‌گیری در مورد اقدام مناسب کمک کند.

۱۶/۲/۲۲. آزمون استرس به عنوان کمکی برای مدیریت صحیح ریسک، از جمله شناسایی ریسک‌های کلان اقتصادی باقیمانده، در نظر گرفته شده است.

۱۶/۲/۲۳. ریسک کلان اقتصادی در بخش بیمه می‌تواند از طریق انواع خاصی از بدهی‌های بیمه‌ای انباشته شده و یا ممکن است از طریق فعالیت‌های غیر بیمه‌ای ایجاد شود. مثال‌ها عبارتند از:

- محصولات پس‌اندازمحور (یا محصولات حمایت‌محور با مؤلفه پس‌انداز) که ضمانت‌های بی‌نظیری را در پرداخت حق بیمه بیمه‌گذاران ارائه می‌دهند، که اغلب با اختیار معامله تبعی^۸ برای بیمه‌گذاران ترکیب می‌شوند.

^۸ embedded options

- محصولات که ویژگی‌هایی مانند فروش خودکار دارایی‌ها را که با کاهش ارزش دارایی‌ها فعال کرده یا مواردی که نیاز به پوشش ریسک پویا دارند؛
- قراردادهای مشتقه مانند محصولات تضمین مالی شامل سوآپ نکول اعتباری (CDS) که برای پوشش ریسک استفاده نمی‌شوند.
- ۱۶/۲/۲۴. در تصمیم‌گیری در مورد لزوم آزمون استرس و فراوانی، دامنه و نوع چنین آزمون استرسی، ناظر باید موارد زیر را در نظر بگیرد:
- ماهیت، مقیاس و پیچیدگی بیمه‌گر، فعالیت‌ها، مدل کسب‌وکار و محصولات آن، از جمله ویژگی‌های ضمانت‌هایی که ارائه می‌دهد؛
- ویژگی‌های هرگونه مکانیسم تخصیص مجدد خودکار دارایی‌ها؛
- استفاده از پوشش ریسک پویا و میزان تطبیق یا پوشش ریسک چنین تضمین‌هایی؛
- فعالیت‌های بیمه‌گر در بازار مشتقات.

جنبه‌های گروهی

۱۶/۲/۲۵. ریسک‌های شناسایی‌شده و تکنیک‌هایی که برای اندازه‌گیری آنها مناسب و کافی هستند (از جمله آزمون استرس، تحلیل سناریو، مدل‌سازی ریسک و آزمون استرس معکوس) ممکن است در سطح گروه بیمه و شخص حقوقی بیمه متفاوت باشند. در مواردی که چارچوب مدیریت ریسک بنگاه یک شخص حقوقی بیمه، بخش جدایی‌ناپذیری از چارچوب مدیریت ریسک بنگاه گروه بیمه باشد، تکنیک‌های مورد استفاده برای اندازه‌گیری ریسک‌ها در سطح گروه باید روش‌هایی را در نظر بگیرند که در سطح شخص حقوقی بیمه مناسب و کافی هستند.

چارچوب ERM - رابطه متقابل اشتباهی ریسک، محدودیت‌های ریسک و کفایت سرمایه

۱۶/۳. ناظر، چارچوب مدیریت ریسک سازمانی بیمه‌گر را ملزم می‌کند که رابطه بین اشتباهی ریسک بیمه‌گر، محدودیت‌های ریسک، الزامات سرمایه نظارتی، سرمایه اقتصادی و فرآیندها و روش‌های نظارت بر ریسک را منعکس کند.

۱۶/۳/۱. چارچوب مدیریت ریسک سازمانی یک شرکت بیمه باید منعکس‌کننده چگونگی هماهنگی مدیریت ریسک آن با برنامه‌ریزی استراتژیک و مدیریت سرمایه (الزامات سرمایه نظارتی و سرمایه اقتصادی) باشد.

۱۶/۳/۲. به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از چارچوب مدیریت ریسک سازمانی، یک شرکت بیمه باید چگونگی ارتباط مدیریت ریسک خود را با اهداف، استراتژی و شرایط فعلی شرکت منعکس کند تا کفایت

سرمایه و توانگری مالی خود را حفظ کند و در چارچوب اشتباهات ریسک و محدودیت‌های ریسک شرح داده شده در بیانیه اشتباهات ریسک عمل کند.

۱۶/۳/۳. چارچوب مدیریت ریسک سازمانی یک شرکت بیمه باید از یک افق زمانی بلندمدت و سازگار با ماهیت ریسک‌های شرکت بیمه و افق برنامه‌ریزی کسب‌وکار استفاده کند، به طوری که ارتباط خود را با کسب‌وکار شرکت بیمه در آینده حفظ کند. این کار را می‌توان با استفاده از روش‌هایی (مانند مدل‌های سناریو) انجام داد که طیف وسیعی از نتایج را بر اساس فرضیات تجاری محتمل آینده که منعکس‌کننده سناریوهای نامطلوب کافی هستند، تولید می‌کنند. تجزیه و تحلیل این نتایج می‌تواند به هیئت مدیره و مدیریت ارشد در برنامه‌ریزی استراتژیک کسب‌وکار کمک کند.

۱۶/۳/۴. ریسک‌ها باید به طور منظم و به موقع رصد و به هیئت مدیره و مدیریت ارشد گزارش شوند تا آن‌ها کاملاً از وضعیت ریسک بیمه‌گر و نحوه تکامل آن آگاه باشند و تصمیمات مؤثری در مورد اشتباهات ریسک و مدیریت سرمایه اتخاذ کنند.

۱۶/۳/۵. در مواردی که از مدل‌های داخلی برای پیش‌بینی کسب‌وکار استفاده می‌شود، شرکت بیمه باید تا حد امکان، آزمون بازخورد^۹ انجام دهد تا صحت مدل را در طول زمان تأیید کند.

۱۶/۳/۶. چارچوب مدیریت ریسک سازمانی شرکت بیمه باید به ترتیبات بیمه اتکایی شرکت بیمه و موارد زیر توجه کند:

- چگونه بیمه اتکایی منعکس‌کننده ساختار محدودیت‌های ریسک شرکت بیمه است؛
 - به چه نحوی به ایفای نقش در کاهش ریسک می‌پردازد؛
 - چگونه بر الزامات سرمایه‌ای شرکت بیمه اثر می‌گذارد.
- استفاده از هرگونه شکل غیرسنتی بیمه اتکایی (مثلاً بیمه اتکایی محدود^{۱۰}) نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

چارچوب ERM - بیانیه اشتباهات ریسک

- ۱۶/۴. ناظر، بیمه‌گر را ملزم به داشتن بیانیه اشتباهات ریسکی می‌کند که:
- سطح کلی و انواع ریسکی را که بیمه‌گر مایل است در محدوده ظرفیت ریسک خود برای دستیابی به اهداف مالی و استراتژیک و طرح تجاری خود بپذیرد، بیان کند.
 - تمام دسته‌های ریسک مرتبط و مهم و وابستگی‌های متقابل آن‌ها را در چارچوب ریسک‌های فعلی و هدف بیمه‌گر در نظر بگیرد؛
 - در استراتژی کسب‌وکار و عملیات روزانه خود از طریق یک ساختار محدودکننده ریسک جزئی‌تر، عملیاتی شده باشد.

^۹ back-testing

^{۱۰} finite reinsurance

۱۶/۴/۱. بیانیه اشتباهات ریسک یک بیمه‌گر باید شامل بیانیه‌های کیفی و همچنین معیارهای کمی باشد که در رابطه با درآمد، سرمایه، معیارهای ریسک، نقدینگی و سایر معیارهای مرتبط، حسب مورد، اظهار نظر کرده باشد.

۱۶/۴/۲. بیانیه‌های کیفی باید:

- معیارهای کمی را تکمیل نمایند.
- تعیین کننده رویکرد کلی بیمه‌گر در قبال ریسک‌پذیری باشد؛
- انگیزه‌های پذیرش یا اجتناب از انواع خاصی از ریسک‌ها، محصولات، ریسک‌های منطقه‌ای یا سایر دسته‌بندی‌ها را به روشنی بیان کند.

۱۶/۴/۳. اشتباهات ریسک ممکن است لزوماً در یک سند واحد بیان نشود؛ با این حال، نحوه بیان آن باید دیدگاهی منسجم و جامع، در عین حال مختصر و قابل فهم از اشتباهات ریسک بیمه‌گر را برای هیئت مدیره فراهم کند.

۱۶/۴/۴. ناظر باید ظرفیت ریسک بیمه‌گر را ملزم به در نظر گرفتن الزامات سرمایه نظارتی، سرمایه اقتصادی، نقدینگی و محیط عملیاتی کند.

۱۶/۴/۵. بیانیه اشتباهات ریسک باید راهنمایی روشن برای مدیران عملیاتی در مورد سطح ریسکی که بیمه‌گر آماده مواجهه با آن است و محدودیت‌های ریسکی که آن‌ها می‌توانند بیمه‌گر را در معرض آن قرار دهند، ارائه دهد. همچنین باید این موضوع در سراسر شرکت بیمه و در داخل آن به اشتراک گذاشته شود تا تثبیت اشتباهات ریسک در فرهنگ ریسک شرکت بیمه تسهیل شود.

۱۶/۴/۶. یک شرکت بیمه باید در نظر بگیرد که چگونه این محدودیت‌ها را در عملیات جاری خود لحاظ کند. این امر می‌تواند با بیان محدودیت‌ها به روشی که بتوان آن را به عنوان بخشی از عملیات جاری اندازه‌گیری و پایش کرد، محقق شود. آزمون استرس می‌تواند ابزاری را در اختیار بیمه‌گر قرار دهد تا به او کمک کند تا مطمئن شود که آیا محدودیت‌ها برای کسب‌وکارش مناسب هستند یا خیر.

جنبه‌های گروهی

۱۶/۴/۷. بیانیه اشتباهات ریسک یک شخص حقوقی در زیرمجموعه شرکت بیمه باید محدودیت‌های ریسک را با در نظر گرفتن تمام ریسک‌های گروهی که با آن مواجه است، تا حدی که برای شخص حقوقی بیمه مرتبط و بااهمیت هستند، تعریف کند.

۱۶/۴/۸. هنگام ایجاد ساختار محدودیت‌های ریسک در سطح شخص حقوقی بیمه، هیئت مدیره و مدیریت ارشد آن شخص حقوقی باید محدودیت‌های ریسک در سطح گروه را در نظر بگیرند.

سیاست مدیریت دارایی بدهی و مدیریت ریسک سرمایه‌گذاری، بیمه‌گری و نقدینگی

۱۶/۵. ناظر، چارچوب مدیریت ریسک سازمانی بیمه‌گر را ملزم می‌کند که شامل یک سیاست صریح مدیریت دارایی - بدهی (ALM) باشد که ماهیت، نقش و میزان فعالیت‌های ALM و ارتباط آن‌ها با توسعه محصول، عملکردهای قیمت‌گذاری و مدیریت سرمایه‌گذاری را مشخص کند.

۱۶/۵/۱. در صورت لزوم، سیاست ALM باید موارد زیر را مشخص کند:

- استراتژی‌های سرمایه‌گذاری و بدهی، تعامل بین دارایی‌ها و بدهی‌ها را امکان‌پذیر سازند؛
- جریان‌های نقدی بدهی از طریق جریان‌های نقدی ورودی تأمین خواهد شد؛
- ارزیابی اقتصادی دارایی‌ها و بدهی‌ها تحت طیف وسیعی از سناریوهای مختلف تغییر خواهد کرد.

ALM به این معنی نیست که دارایی‌ها باید تا حد امکان با بدهی‌ها مطابقت داشته باشند، بلکه به این معنی است که عدم تطابق‌ها به طور مؤثر مدیریت شوند. همه ALM ها نیازی به استفاده از تکنیک‌های پیچیده ندارند. به عنوان مثال، کسب و کارهای ساده، کم ریسک یا کوتاه مدت ممکن است به تکنیک‌های ALM با پیچیدگی کمتر نیاز داشته باشند.

۱۶/۵/۲. سیاست ALM شرکت بیمه باید وابستگی متقابل بین تمام دارایی‌ها و بدهی‌های شرکت بیمه را تشخیص دهد و همبستگی ریسک بین طبقات مختلف دارایی و همچنین همبستگی بین محصولات و خطوط تجاری مختلف را در نظر بگیرد، و اذعان کند که همبستگی‌ها ممکن است خطی نباشند. سیاست ALM همچنین باید هرگونه ریسک خارج از ترازنامه که ممکن است شرکت بیمه داشته باشد و همچنین احتمال بازگشت ریسک‌های منتقل شده را به شرکت بیمه در نظر بگیرد.

۱۶/۵/۳. استراتژی‌های مختلفی ممکن است برای دسته‌های مختلف دارایی‌ها و بدهی‌ها مناسب باشند. یک رویکرد ممکن برای مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌ها، شناسایی بخش‌های همگن جداگانه بدهی‌ها و به دست آوردن سرمایه‌گذاری‌هایی برای هر بخش است که در صورت مستقل بودن هر بخش بدهی، مناسب باشد. رویکرد دیگر، مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌های بیمه‌گر به صورت کلی است. رویکرد دوم ممکن است فرصت‌های بیشتری برای سود و مدیریت ریسک نسبت به رویکرد اول فراهم کند. اگر مدیریت دارایی و بدهی برای هر بخش تجاری به طور جداگانه اجرا شود، احتمالاً به این معنی است که بیمه‌گر ممکن است از مزایای مقیاس، پوشش ریسک، تنوع‌بخشی و بیمه اتکایی به اندازه کافی بهره‌مند نشود.

۱۶/۵/۴. با این حال، برای بخشی از کسب‌وکار بیمه، ممکن است مدیریت ریسک‌ها با ترکیب بخش‌های مختلف بدهی‌ها مناسب نباشد. ممکن است لازم باشد که بیمه‌گر، سیاست‌های ALM جداگانه و

مستقلی را برای پرتفویهای خاصی از دارایی‌ها که محدود به یک حوزه خاص هستند یا به طور آزاد برای پوشش تعهدات در سایر بخش‌های بیمه‌گر در دسترس نیستند، تدوین کند.

۱۶/۵/۵. دارایی‌ها و بدهی‌ها ممکن است برای محافظت از بیمه‌گذاران، مجزا باشند. برای مثال، کسب‌وکار بیمه غیرزندگی معمولاً از کسب‌وکار بیمه زندگی جدا است و به همین ترتیب، کسب‌وکارهای مشارکتی از کسب‌وکارهای غیرمشارکتی جدا می‌شوند. الزامات نظارتی یا چارچوب مدیریت ریسک سازمانی بیمه‌گر ممکن است ایجاب کند که برخی از بدهی‌ها با دارایی‌های پشتیبان مطابقت نزدیکی داشته باشند. برای مثال، مزایای مرتبط با سهام یا مرتبط با شاخص ممکن است با دارایی‌های مربوطه مطابقت نزدیکی داشته باشند و جریان‌های نقدی خروجی هزینه‌های مستمر (مقرری سالانه) ممکن است با جریان‌های نقدی ورودی از ابزارهای درآمد ثابت مطابقت نزدیکی داشته باشند.

۱۶/۵/۶. برخی از بدهی‌ها ممکن است بسیار بلندمدت باشند، مانند انواع خاصی از بیمه مسئولیت و بیمه‌های تمام عمر و مستمری‌ها. در این موارد، ممکن است دارایی‌هایی بلندمدت برای مطابقت با بدهی‌ها در دسترس نباشند و ریسک سرمایه‌گذاری مجدد قابل توجهی را ایجاد کنند، به طوری که ارزش فعلی جریان‌های نقدی بدهی خالص آینده به طور خاص به تغییرات نرخ بهره حساس باشد. همچنین ممکن است شکاف‌هایی در سررسید دارایی‌های موجود وجود داشته باشد. یک سیاست ALM باید ریسک‌های ناشی از زمان سررسید یا سایر عدم تطابق‌ها را برطرف کند (به عنوان مثال، با نگهداری سرمایه کافی یا داشتن استراتژی کاهش ریسک مناسب). چارچوب ERM باید ظرفیت بیمه‌گر را برای تحمل ریسک ALM، مطابق با اشتیهای ریسک و ساختار محدودیت‌های ریسک بیمه‌گر، منعکس کند.

جنبه‌های گروهی

۱۶/۵/۷. سیاست مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌ها در سطح گروه باید هرگونه محدودیت قانونی که ممکن است در مورد نحوه برخورد با دارایی‌ها و بدهی‌ها در حوزه‌های قانونی که گروه در آن فعالیت می‌کند، اعمال شود را در نظر بگیرد.

۱۶/۱. ناظر، چارچوب مدیریت ریسک سازمانی بیمه‌گر را ملزم می‌کند که شامل یک سیاست سرمایه‌گذاری صریح باشد که:

- ریسک سرمایه‌گذاری را مطابق با اشتباهات ریسک و ساختار محدودیت‌های ریسک بیمه‌گر، مورد بررسی قرار دهد؛
- ماهیت، نقش و میزان فعالیت‌های سرمایه‌گذاری بیمه‌گر و نحوه رعایت الزامات سرمایه‌گذاری نظارتی توسط بیمه‌گر را مشخص می‌کند؛
- رویه‌های صریح مدیریت ریسک را در رابطه با طبقات پیچیده‌تر و کمتر شفاف دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها در بازارها یا ابزارهایی که تابع حاکمیت یا مقررات کمتری هستند، تعیین می‌کند؛
- در صورت لزوم، میزان اشتباهات ریسک طرف مقابل^۱ (اعتباری) بیمه‌گر را مشخص می‌کند.

۱۶/۱/۱. یک سیاست سرمایه‌گذاری ممکن است استراتژی بیمه‌گر را برای بهینه‌سازی بازده سرمایه‌گذاری تعیین کرده و استراتژی‌ها و اختیارات تخصیص دارایی برای فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و نحوه ارتباط آنها با سیاست ALM را مشخص کند.

۱۶/۱/۲. سیاست سرمایه‌گذاری باید به نگهداری ایمن دارایی‌ها، از جمله ترتیبات نگهداری و شرایطی که تحت آن می‌توان سرمایه‌گذاری‌ها را وثیقه گذاشت یا استقراض داد، بپردازد.

۱۶/۱/۳. ریسک اعتباری باید در سیاست سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شود.

۱۶/۱/۴. سیاست سرمایه‌گذاری باید تمرکز بیش از حد دارایی‌ها را بر اساس ویژگی‌های خاصی از جمله موارد زیر در نظر بگیرد:

- نوع دارایی
- رتبه‌بندی اعتباری
- ناشر یا طرف مقابل یا نهادهای مرتبط با ناشر یا طرف مقابل؛
- بازار مالی
- بخش
- موقعیت جغرافیایی

۱۶/۱/۵. برای بیمه‌گر مهم است که منبع، نوع و میزان ریسک سرمایه‌گذاری را درک کند. به عنوان مثال، درک اینکه چه کسی ریسک قانونی نهایی یا ریسک پایه را در یک زنجیره پیچیده از معاملات دارد، مهم است. سوالات مشابهی در مورد سرمایه‌گذاری از طریق وجوه خارجی، به ویژه هنگامی که چنین وجوهی شفاف نیستند، مطرح می‌شود.

۱۶/۶/۶. تعدادی از عوامل ممکن است استراتژی سرمایه‌گذاری بیمه‌گر را شکل دهند. به عنوان مثال، برای بیمه‌گران در بسیاری از حوزه‌های قانونی، ریسک تمرکز ناشی از دسترسی محدود به ابزارهای سرمایه‌گذاری داخلی مناسب ممکن است یک مسئله باشد. در مقابل، استراتژی‌های سرمایه‌گذاری بیمه‌گران بین‌المللی ممکن است به دلیل نیاز به مدیریت یا تطبیق دارایی‌ها و بدهی‌ها در تعدادی از ارزها و بازارهای مختلف، پیچیده باشد. علاوه بر این، نیاز به نقدینگی ناشی از پرداخت‌های بالقوه در مقیاس بزرگ ممکن است استراتژی سرمایه‌گذاری یک بیمه‌گر را پیچیده‌تر کند. در رابطه با ریسک‌های وابسته به آب و هوا، بیمه‌گران باید موارد زیر را در نظر بگیرند:

- افق‌های زمانی بلندمدت‌تر (در محدوده سررسید پرتفوی سرمایه‌گذاری خود، اما در صورت لزوم، با در نظر گرفتن ریسک سرمایه‌گذاری مجدد)
- تأثیر ریسک‌های اساسی وابسته به آب و هوا بر سرمایه‌گذاری‌های آن‌ها، و تأثیر سرمایه‌گذاری‌های آن‌ها بر آن؛
- ترجیحات شناخته‌شده مشتریان‌شان در رابطه با ملاحظات پایداری، در صورت لزوم.

۱۶/۶/۷. در صورت لزوم، سیاست سرمایه‌گذاری باید نحوه برخورد بیمه‌گر با ابزارهای مالی ذاتاً پیچیده مانند مشتقات، ابزارهای ترکیبی که مشتقات را در خود جای می‌دهند، سهام خصوصی، صندوق‌های پوشش ریسک، ابزارهای مرتبط با بیمه و تعهداتی که از طریق نهادهای با مقاصد خاص معامله می‌شوند را تشریح کند. دارایی‌های پیچیده یا کمتر شفاف ممکن است خطرات عملیاتی را ایجاد کنند که ارزیابی قابل اعتماد آن‌ها، به ویژه در شرایط نامطلوب، دشوار است.

۱۶/۶/۸. یک سیاست سرمایه‌گذاری مؤثر و چارچوب مدیریت ریسک سازمانی باید مدل‌های قوی و مناسبی را ارائه دهد که منعکس‌کننده ریسک‌های مربوط به فعالیت‌های سرمایه‌گذاری پیچیده (از جمله ضمانت‌های پذیرهنویسی برای چنین اوراق بهادار پیچیده‌ای) باشند. باید رویه‌های صریحی برای ارزیابی ریسک‌های غیراستاندارد مرتبط با محصولات ساختاریافته پیچیده، به ویژه اشکال جدید ریسک تمرکز که ممکن است آشکار نباشند، وجود داشته باشد.

۱۶/۶/۹. برای استراتژی‌های سرمایه‌گذاری پیچیده، سیاست سرمایه‌گذاری و چارچوب ERM شرکت بیمه ممکن است استفاده از آزمون استرس و برنامه‌ریزی احتمالی را برای مدیریت ریسک‌هایی که مدلسازی آن‌ها دشوار است مانند نقدینگی و حرکات ناگهانی بازار در بر بگیرد. اجرای آزمایشی رویه‌ها نیز ممکن است قبل از اجرای واقعی آن‌ها مناسب باشد.

۱۶/۶/۱۰. سیاست سرمایه‌گذاری و چارچوب مدیریت ریسک سازمانی بیمه‌گر باید در مورد هدف استفاده از مشتقات شفاف بوده و مشخص کند که آیا ممنوعیت یا محدود کردن استفاده از برخی از انواع مشتقات در برخی مواقع برای آن مناسب است یا خیر. برای مثال در شرایط زیر:

- میزان مواجهه بالقوه را نمی‌توان به طور قابل اعتمادی اندازه‌گیری کرد؛
- با توجه به عدم نقدشوندگی بازار، خروج از یک مشتقه دشوار باشد؛
- این ابزار مشتقه مانند ابزارهای فرابورس به راحتی قابل فروش نیست؛
- تأیید مستقل (یعنی خارجی) قیمت‌گذاری در دسترس نیست؛
- توافقات وثیقه‌ای به طور کامل ریسک مربوط به طرف مقابل را پوشش نمی‌دهند؛
- طرف مقابل از اعتبار مناسبی برخوردار نیست؛
- ریسک مربوط به هر یک از طرفین از مبلغ مشخصی فراتر می‌رود.

این عوامل به ویژه برای مشتقات خارج از بورس فاقد نظارت، مهم هستند. اثربخشی امکان تسویه حساب موجود می‌تواند یک ملاحظه مرتبط در ارزیابی ریسک طرف مقابل در خصوص برخی از انواع مشتقات خارج از بورس، مانند سوآپ نکول اعتباری، باشد.

۱۶/۶/۱۱. اشتباهی ریسک طرف مقابل، سطح ریسکی را که بیمه‌گر حاضر به پذیرش آن است، تعیین می‌کند، به این صورت که طرف مقابل قادر به انجام تعهدات خود در سررسید نخواهد بود و این امر با تمرکز بر محدودیت‌های ریسک مربوطه انجام می‌شود. این امر ممکن است از طریق مواردی مانند کاهش ارزش منصفانه یا کاهش ارزش سرمایه‌گذاری‌ها، از دست دادن پوشش بیمه اتکایی، ریسک‌های عملیات بازار باز یا زیان اوراق بهادار قرض گرفته شده، بر وضعیت مالی بیمه‌گر تأثیر بگذارد.

۱۶/۶/۱۲. در تصمیم‌گیری در مورد اینکه آیا لازم است بیمه‌گر اشتباهی ریسک طرف مقابل خود را در سیاست سرمایه‌گذاری خود مشخص کند، ناظر باید اندازه ریسک‌های طرف مقابل بیمه‌گر را، هم به صورت مطلق و هم نسبت به پرتفوی بیمه‌گر، مطابق با ویژگی‌های ذکر شده در راهنمای ۱۶/۶/۴، و همچنین پیچیدگی و شکل این ریسک‌ها در نظر بگیرد. باید توجه ویژه‌ای به طرف‌های مقابل در بخش مالی شود، زیرا این طرف‌های مقابل ممکن است ایجاد ریسک سیستمی نقش بیشتری داشته باشند. همچنین باید به ریسک‌ها یا تعهدات خارج از ترازنامه توجه شود، زیرا این موارد ممکن است در هنگام فشار و استرس مالی، بیشتر تحقق یابند.

۱۶/۷. ناظر، چارچوب مدیریت ریسک سازمانی شرکت بیمه را ملزم می‌کند که دارای یک سیاست بیمه‌گری باشد که موارد زیر را در بر بگیرد:

- ریسک صدور بیمه‌گر با توجه به اشتباهی ریسک و ساختار محدودیت‌های ریسک بیمه‌گر؛
- ماهیت ریسک‌هایی که باید پذیرفته شوند، شامل هرگونه رابطه مهم با شرایط اقتصاد کلان؛
- ارتباط استراتژی صدور با استراتژی بیمه اتکایی و قیمت‌گذاری بیمه‌گر.

۱۶/۷/۱. یک سیاست بیمه‌گری باید فرآیند صدور، قیمت‌گذاری، تسویه خسارت و کنترل هزینه (در صورت لزوم و مرتبط با هزینه‌های فرآیند صدور) را پوشش دهد. چنین سیاستی ممکن است شامل موارد زیر باشد:

- شرایطی که قراردادهای بر اساس آن نوشته می‌شوند و هرگونه استثنائاتی که در قراردادهای وجود دارد؛

- رویه‌ها و شرایطی که برای پذیرش ریسک‌ها باید رعایت شوند؛

- حق بیمه اضافی برای ریسک‌های غیراستاندارد؛

- رویه‌ها و شرایطی که برای پرداخت خسارت‌ها باید رعایت شوند.

۱۶/۷/۲. کنترل هزینه‌های مرتبط با صدور و پرداخت خسارت، بخش مهمی از مدیریت ریسک، به‌ویژه در شرایط نرخ تورم عمومی بالا، است. تورم مبالغ خسارت نیز در چنین شرایطی برای برخی از انواع ریسک، تمایل به بالا بودن دارد. بیمه‌گران باید سیستم‌هایی برای کنترل هزینه‌های خود داشته باشند. این هزینه‌ها باید به‌طور مداوم توسط بیمه‌گر رصد شوند.

۱۶/۷/۳. سیاست بیمه اتکایی باید اثربخشی انتقال ریسک را در نظر بگیرد. این موضوع شامل اطمینان از موارد زیر است:

- برنامه بیمه اتکایی بیمه‌گر، پوششی متناسب با سطح سرمایه، مشخصات ریسک‌های مورد تعهد، استراتژی تجاری و میزان اشتباهی ریسک آن ارائه می‌دهد؛
- ریسک در شرایط نامساعد به بیمه‌گر باز نمی‌گردد.

۱۶/۷/۴. در بررسی ماهیت و میزان ریسک‌هایی که باید بیمه شوند، بیمه‌نامه باید حداقل موارد زیر را پوشش دهد:

- دسته‌های محصولاتی که بیمه‌گر مایل به بیمه کردن آن‌هاست؛
- محدودیت‌های مربوط به ریسک (مثلاً جغرافیایی، طرف مقابل، بخش اقتصادی)؛
- فرآیندی برای استقرار محدودیت‌های عملیات بیمه‌گری.

۱۶/۷/۵. سیاست بیمه‌گری باید تأثیر بالقوه همبستگی‌های اساسی بین شرایط اقتصاد کلان و پرتفوی بیمه بر وضعیت مالی بیمه‌گر را در نظر بگیرد (برای مثال، با ارزیابی تأثیر بالقوه ناشی از برخی محصولات بیمه‌ای با ضمانت‌ها و گزینه‌های تعبیه‌شده)

۱۶/۷/۶. سیاست بیمه‌گری باید موارد زیر را در نظر بگیرد:

- چگونه یک بیمه‌گر ریسک‌های نوظهور در پرتفوی بیمه‌شده را تجزیه و تحلیل می‌کند؛
- چگونه ریسک‌های نوظهور در اصلاح رویه‌های صدور در نظر گرفته می‌شوند.

۱۶/۷/۷. سیاست بیمه‌گری باید تعاملات با استراتژی بیمه اتکایی و ریسک اعتباری مرتبط را شرح داده و شامل جزئیات پوشش بیمه اتکایی طبقات خاص محصولات یا ریسک‌های خاص باشد.

۱۶/۸. ناظر، چارچوب مدیریت ریسک سازمانی شرکت بیمه را ملزم می‌کند که ریسک نقدینگی را مورد توجه قرار داده و شامل استراتژی‌ها، سیاست‌ها و فرآیندهایی باشد که نقدینگی کافی را برای تأمین بدهی‌های شرکت در زمان سررسید آنها در شرایط عادی و تحت فشار حفظ کند.

۱۶/۸/۱. هنگام تجزیه و تحلیل وضعیت نقدینگی، بیمه‌گر باید نقدشوندگی دارایی‌ها و بدهی‌های خود را ارزیابی کند. بیمه‌گر باید در صورت لزوم، مواردی مانند موارد زیر را در نظر بگیرد:

- نقدینگی بازار در شرایط عادی و تحت فشار، کیفیت دارایی‌ها و توانایی آن‌ها در تبدیل شدن به وجوه نقد در هر موقعیت؛
- ویژگی‌های قراردادهای بیمه که ممکن است بر رفتار بیمه‌گذار در مورد انقضا، انصراف یا تمدید تأثیر بگذارد؛
- رویدادهای نامطلوب بیمه‌ای از جمله فجایع که ممکن است نیازهای نقدینگی کوتاه‌مدت را ایجاد کنند،
- فعالیت‌های غیر بیمه‌ای مانند مارجین‌کردن یا وثیقه‌گذاری برای قراردادهای مشتقات، وام‌دهی اوراق بهادار یا قراردادهای بازخرید؛
- منابع احتمالی نقدینگی (از جمله خطوط اعتباری یا درآمد حق بیمه آتی) و اینکه آیا این منابع در شرایط بحرانی در دسترس خواهند بود یا خیر.

۱۶/۸/۲. یک شرکت بیمه باید فرآیندها و معیارهای کاملاً تعریف شده داشته باشد که بسته به فعالیت‌هایش می‌توانند ساده یا پیشرفته بوده تا بتواند وضعیت نقدینگی خود را در افق‌های زمانی مختلف، به طور منظم ارزیابی کند. تحلیل نقدینگی یک بیمه‌گر باید شرایط عادی و پرتنش بازار را پوشش دهد. بیمه‌گر باید نتایج چنین تحلیلی را با توجه به میزان اشتباهات ریسک خود ارزیابی کند.

۱۶/۸/۳. بنا به درخواست ناظر، شرکت بیمه باید فرآیندها و تحلیل‌های مدیریت ریسک نقدینگی خود، شامل فرضیات یا معیارهای کلیدی را گزارش دهد.

جنبه‌های گروهی

۱۶/۸/۴. ارزیابی یک گروه بیمه باید منجر به یک دیدگاه منسجم از ریسک نقدینگی در بین اشخاص حقوقی درون گروه شود. به عنوان مثال، در مواردی که یک شخص حقوقی برای تأمین مالی به رئیس گروه متکی است، این موضوع باید هم در تحلیل نقدینگی شخص حقوقی و هم در تحلیل نقدینگی گروه در نظر گرفته شود.

۱۶/۸/۵. یک گروه بیمه هنگام تحلیل وضعیت نقدینگی خود، ممکن است از سناریوها و تحلیل‌های مختلفی در سطح یک شخص حقوقی و در صورت لزوم در سطح کل گروه استفاده کند. چنین سناریوهایی باید در نظر داشته باشند که شرایط ممکن است بین اشخاص حقوقی منفرد و گروه متفاوت باشد.

۱۶/۹. ناظر، در صورت لزوم، از بیمه‌گر می‌خواهد که فرآیندهای مدیریت ریسک نقدینگی دقیق‌تری را به عنوان بخشی از چارچوب ERM خود ایجاد کند، که شامل موارد زیر باشد:

- آزمون استرس نقدینگی؛
- نگهداری پرتفوی دارایی‌های با نقدشوندگی بالا در بخش‌های مناسب؛
- یک طرح تأمین مالی اضطراری؛
- ارائه گزارش مدیریت ریسک نقدینگی به ناظر.

۱۶/۹/۱. ریسک نقدینگی با افزایش عدم تعادل بین منابع و نیازهای نقدینگی، مثلاً به دلیل تبدیل نقدینگی^{۱۱}، افزایش می‌یابد. نیازهای نقدینگی غیرمنتظره می‌تواند به دلایل زیر ایجاد شود:

- مشتقات، به ویژه هرگونه وثیقه یا وجه تضمینی که باید برای کاهش ارزش قرارداد نسبت به بازار پرداخت شود؛
- معاملات تأمین مالی از طریق اوراق بهادار، از جمله قراردادهای بازخريد و استقراض اوراق بهادار؛
- محصولات بیمه‌ای که حاوی مفادی هستند که به بیمه‌گذار اجازه می‌دهد با کمترین اطلاع یا جریمه، وجه نقد را از بیمه‌نامه برداشت کند؛
- محصولات بیمه‌ای که بلایای طبیعی را پوشش می‌دهند.

این فعالیت‌ها در صورت عدم مدیریت صحیح، ممکن است به ریسک سیستمی کمک کنند، به عنوان مثال زمانی که وجوه دریافتی از استقراض کوتاه‌مدت اوراق بهادار یا قراردادهای بازخريد یا مانده‌های محصولات بیمه‌ای با نقدشوندگی بیشتر در دارایی‌های غیرنقدشونده سرمایه‌گذاری می‌شوند.

۱۶/۹/۲. برخی از شرکت‌های بیمه ملزم به ایجاد فرآیندهای مدیریت ریسک نقدینگی دقیق‌تری در مقایسه با فرآیندهای مندرج در استاندارد ۱۶.۸ هستند. فرآیندهای مدیریت ریسک نقدینگی دقیق‌تر برای کمک به بیمه‌گر در مدیریت ریسک آن در نظر گرفته شده‌اند. علاوه بر این، این اقدامات ممکن است به ناظر در مورد آسیب‌پذیری‌هایی که ممکن است باعث کمبود منابع در شرایط بحرانی شوند، بینشی ارائه دهند.

^{۱۱} Liquidity Transformation

۱۶/۹/۳. در تصمیم‌گیری در مورد الزام به فرآیندهای مدیریت ریسک نقدینگی دقیق‌تر و شدت چنین فرآیندهایی، ناظر باید ماهیت، مقیاس و پیچیدگی فعالیت‌های بیمه‌گر که منجر به افزایش مواجهه با ریسک نقدینگی می‌شود و همچنین اثرات تشدید ریسک مربوط به اندازه فعالیت بیمه‌گر را در نظر بگیرد. افزایش مواجهه با ریسک نقدینگی ممکن است به عنوان مثال به میزان وثیقه یا درخواست‌های بالقوه ودیعه از مشتقات یا سایر معاملات، استفاده از معاملات تأمین مالی اوراق بهادار یا ویژگی‌های قراردادهای بیمه که ممکن است بر رفتار بیمه‌گزار در مورد انقضا، انصراف یا تمدید تأثیر بگذارد، بستگی داشته باشد.

۱۶/۹/۴. ناظر می‌تواند شدت این الزامات را با تغییر، برای مثال، تغییر در فراوانی، دامنه و جزئیات آزمون استرس نقدینگی، تغییر در نسبت انواع مختلف دارایی‌های با نقدشوندگی بالا که در پرتفوی مجاز هستند یا تغییر در شکل و سطح جزئیات طرح تأمین مالی احتیاطی و گزارش مدیریت ریسک نقدینگی، افزایش یا کاهش دهد.

۱۶/۹/۵. در مواردی که یک شرکت بیمه ملزم به ایجاد فرآیندهای مدیریت ریسک نقدینگی دقیق‌تری است، ناظر باید اثربخشی اجرای آنها، از جمله تعامل با مکانیسم‌های کنترلی موجود را ارزیابی کند. علاوه بر این، ناظر باید کیفیت و کمیت دارایی‌هایی را که شرکت بیمه در سبد دارایی‌های با نقدشوندگی بالا قرار می‌دهد، با توجه به ویژگی‌های نقدینگی فعالیت‌های آن، ارزیابی کند. ناظر ممکن است معیارهای کلی خود را برای دارایی‌های با نقدشوندگی بالا تدوین کند.

۱۶/۹/۶. آزمون استرس نقدینگی، ابزاری آینده‌نگر برای مدیریت ریسک است تا آسیب‌پذیری‌های موجود در پروفایل نقدینگی بیمه‌گر را آشکار کند و اطلاعاتی در مورد توانایی آن در ایفای تعهدات در سررسید ارائه دهد. مجموعه‌ای از دارایی‌های با نقدشوندگی بالا می‌توانند منبع نقدینگی برای بیمه‌گر فراهم کرده تا تعهدات خود را در سررسید انجام دهد. یک طرح تأمین مالی احتیاطی، که استراتژی‌های مربوط به رفع کمبود نقدینگی در شرایط بحرانی را شرح می‌دهد، می‌تواند به بیمه‌گر در رسیدگی به یک وضعیت بحرانی پیش‌بینی نشده، که در آن دارایی‌های نقدی آن ناکافی است یا به طور غیرمنتظره‌ای غیرنقد می‌شود، کمک کند. یک گزارش مدیریت نقدینگی می‌تواند به بیمه‌گر و ناظر کمک کند تا با ارائه جزئیات مدیریت ریسک نقدینگی آن در قالبی قابل فهم، کاستی‌های موجود در مدیریت ریسک بیمه‌گر را برطرف کنند.

۱۶/۹/۷. طرح تأمین مالی اضطراری باید مستندسازی شده و بنا به صلاحدید ناظر، می‌تواند یا به صورت یک سند مستقل باشد یا به طور کامل و جامع در سند دیگری به عنوان بخشی از سایر عناصر ERM ادغام شود.

ارزیابی ریسک و توانگری مالی خود (ORSA)

۱۶/۱۰. ناظر، شرکت بیمه را ملزم می‌کند که ارزیابی ریسک و توانگری مالی (ORSA) خود را به طور منظم انجام دهد تا کفایت مدیریت ریسک و وضعیت توانگری مالی فعلی و احتمالاً آینده خود را ارزیابی کند.

۱۶/۱۰/۱. بیمه‌گر باید نتایج اصلی، منطق، محاسبات و برنامه‌های عملیاتی ناشی از ORSA خود را مستند کند.

۱۶/۱۰/۲. ORSA باید تا حد زیادی توسط نحوه ساختار یک بیمه‌گر و نحوه مدیریت آن هدایت شود. عملکرد یک ORSA در سطح شخصیت حقوقی بیمه، گروه را از انجام ORSA در سطح گروه معاف

۱۶/۱۱. ناظر، هیئت مدیره و مدیریت ارشد بیمه‌گر را ملزم به مسئولیت‌پذیری در قبال ORSA

نمی‌کند.

۱۶/۱۱/۱. هیئت مدیره باید فرآیند دقیقی را برای تنظیم، تأیید و نظارت بر اجرای مؤثر ORSA بیمه‌گر توسط مدیریت ارشد اتخاذ کند.

۱۶/۱۱/۲. در صورت لزوم، اثربخشی ORSA باید از طریق بررسی کلی مستقل داخلی یا خارجی توسط یک فرد باتجربه تأیید شود.

۱۶/۱۲. ناظر، ORSA بیمه‌گر را ملزم می‌کند که:

- تمام ریسک‌های با اهمیت، قابل پیش‌بینی و مرتبط، حداقل، ریسک‌های بیمه‌گری، اعتباری، بازار، تمرکز، عملیاتی و نقدینگی و (در صورت وجود) ریسک گروهی را در بر بگیرد؛
- رابطه بین مدیریت ریسک و سطح و کیفیت منابع مالی مورد نیاز و موجود را شناسایی کند؛

و در صورت لزوم:

- تاب‌آوری بیمه‌گر را در برابر تنش‌های شدید اما محتمل اقتصاد کلان از طریق تحلیل سناریو یا آزمون استرس ارزیابی کند؛
- مجموع ریسک‌های طرف مقابل را ارزیابی کرده و تأثیر رویدادهای استرس‌زا را بر ریسک‌های اساسی طرف مقابل از طریق تحلیل سناریو یا آزمون استرس تجزیه و تحلیل کند.

۱۶/۱۲/۱. بیمه‌گر باید در ارزیابی ORSA خود، تمام ریسک‌های مهم که ممکن است بر توانایی آن در انجام تعهداتش نسبت به بیمه‌گزاران تأثیر بگذارد را در نظر بگیرد، از جمله در این ارزیابی، بررسی تأثیر

تغییرات آینده در شرایط اقتصادی یا سایر عوامل خارجی (مانند مواجهه بیمه‌گر با خطرات مرتبط با آب و هوا در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت). بیمه‌گر باید به‌طور منظم ارزیابی ORSA انجام دهد تا همچنان اطلاعات مربوط به فرآیندهای مدیریت و تصمیم‌گیری خود را ارائه دهد. بیمه‌گر باید به‌طور منظم منابع ریسک و میزان اهمیت ریسک‌های خاص را مجدداً ارزیابی کند. تغییرات قابل توجه در مشخصات ریسک بیمه‌گر باید آن را وادار به انجام ارزیابی ORSA جدید کند. ارزیابی ریسک باید همراه با در نظر گرفتن اثربخشی کنترل‌های قابل اجرا برای کاهش خطرات انجام شود.

۱۶/۱۲/۲. ORSA باید صریحاً بیان کند که کدام ریسک‌ها قابل سنجش و کدام‌ها غیرقابل سنجش هستند.

۱۶/۱۲/۳. در تصمیم‌گیری در مورد لزوم تحلیل سناریو یا آزمون استرس به عنوان بخشی از ORSA و فراوانی، دامنه و نوع چنین تحلیل سناریو یا آزمون استرسی، ناظر باید به عنوان مثال، ماهیت، مقیاس و پیچیدگی عملیات بیمه‌گر، مدل کسب‌وکار و محصولات آن و اندازه ریسک‌های بیمه‌گر را، هم به صورت مطلق و هم نسبت به پرتفوی بیمه‌گر، در نظر بگیرد. ممکن است برای ریسک‌های اقتصاد کلان عوامل مرتبط شامل ویژگی‌های ضمانت‌هایی که بیمه‌گر ارائه می‌دهد و میزان تطبیق یا پوشش ریسک چنین ضمانت‌هایی، ویژگی‌های هرگونه مکانیسم تخصیص مجدد دارایی، استفاده از پوشش ریسک پویا، فعالیت بیمه‌گر در بازارهای مشتقات یا سایر محرک‌های نوسانات در منابع یا مصارف وجوه نقد باشد. برای ریسک‌های طرف مقابل، باید توجه ویژه‌ای به طرف‌های مقابل بخش مالی شود، زیرا این موارد ممکن است منجر به ایجاد ریسک سیستمی و همچنین به ریسک یا تعهدات خارج از ترازنامه منجر شوند؛ زیرا این موارد ممکن است در میزان استرس، تأثیر بیشتری داشته باشند.

جنبه‌های گروهی

۱۶/۱۲/۴. ORSA گروه بیمه باید:

- شامل تمام ریسک‌های مهم قابل پیش‌بینی و مرتبط ناشی از هر شخصیت حقوقی در گروه بیمه و وسیع‌ترین گروهی که گروه بیمه بخشی از آن است، باشد؛
- قابلیت تبدیل سرمایه و قابلیت انتقال دارایی‌ها در گروه را در نظر بگیرد؛
- اطمینان حاصل کند که هیچ یک از اقلام سرمایه دو بار محاسبه نمی‌شوند.

۱۶/۱۲/۵. به طور مشابه، ORSA یک شخصیت حقوقی بیمه باید شامل تمام ریسک‌های اضافی ناشی از بزرگترین گروه تا حدی باشد که بر شخصیت حقوقی بیمه تأثیر می‌گذارند.

۱۶/۱۲/۶. در ORSA شخصیت حقوقی بیمه و ORSA گروه بیمه، ممکن است مناسب باشد سناریوهایی را در نظر گرفت که در آن یک گروه ساختار خود را به روش‌های دیگری تجزیه یا تغییر می‌دهد. ارزیابی کفایت سرمایه فعلی و تحلیل تداوم فعالیت باید شامل بررسی تغییرات احتمالی مرتبط در ساختار و

یکپارچگی گروه در شرایط نامطلوب و پیامدهایی باشد که این امر می‌تواند برای ریسک‌های گروه، وجود گروه و حمایت یا خواسته‌ها از گروه یا از شخصیت‌های حقوقی بیمه آن داشته باشد.

۱۶/۱۲/۷. با توجه به میزان پیچیدگی در سطح گروه بیمه در مقایسه با یک شخصیت حقوقی بیمه، احتمالاً تجزیه و تحلیل و اطلاعات بیشتری برای ORSA گروه مورد نیاز است تا به طور جامع به طیف وسیعی از ریسک‌های سطح گروه بیمه پردازد. به عنوان مثال، ممکن است استفاده از آزمون سرایت با استفاده از آزمون استرس برای ارزیابی تأثیر مشکلات در هر شخصیت حقوقی گروه بیمه بر سایر شخصیت‌های گروه مناسب باشد.

۱۶/۱۲/۸ در انجام ORSA در سطح گروه، گروه باید بتواند تنوع‌بخشی را در نظر بگیرد. علاوه بر این، گروه باید بتواند نشان دهد که چه مقدار از مزایای تنوع‌بخشی در شرایط استرس حفظ می‌شود.

ORSA - سرمایه اقتصادی و نظارتی

۱۶/۱۳. ناظر، شرکت بیمه را ملزم می‌کند که:

- به عنوان بخشی از ORSA، منابع مالی کلی مورد نیاز برای مدیریت کسب و کار خود را با توجه به اشتباهات ریسک و برنامه‌های تجاری آن تعیین کند؛
- اقدامات مدیریت ریسک خود را بر اساس در نظر گرفتن سرمایه اقتصادی، الزامات سرمایه نظارتی، منابع مالی و ORSA خود قرار دهد؛
- کیفیت و کفایت منابع سرمایه خود را برای برآورده کردن الزامات سرمایه نظارتی و هرگونه نیاز سرمایه اضافی ارزیابی کند.

۱۶/۱۳/۱. این موضوع اهمیت دارد که یک بیمه‌گر به چگونگی ارتباط و تعامل مدیریت ریسک و مدیریت سرمایه با یکدیگر توجه داشته باشد. بنابراین، یک بیمه‌گر باید منابع مالی مورد نیاز خود را با در نظر گرفتن اشتباهات ریسک، ساختار محدودیت‌های ریسک و برنامه‌های تجاری خود، بر اساس ارزیابی ریسک‌های خود، رابطه بین آنها و کاهش ریسک موجود، تعیین کند. تعیین سرمایه اقتصادی می‌تواند به یک بیمه‌گر کمک کند تا ارزیابی کند که چگونه به بهترین نحو سرمایه پایه خود را بهینه کند؟ آیا ریسک را حفظ کرده یا منتقل کند و چگونه ریسک‌ها را در قیمت‌گذاری خود در نظر بگیرد؟

۱۶/۱۳/۲. اگرچه ممکن است میزان سرمایه اقتصادی و الزامات سرمایه نظارتی و روش‌های مورد استفاده برای تعیین آنها متفاوت باشد، یک بیمه‌گر باید از این تفاوت‌ها آگاه بوده و بتواند آن‌ها را تجزیه و تحلیل کرده و توضیح دهد. چنین تحلیلی به گنجاندن الزامات نظارتی در ORSA و مدیریت ریسک و سرمایه بیمه‌گر کمک کرده تا اطمینان حاصل شود که تعهدات به بیمه‌گزاران در زمان سررسید همچنان انجام می‌شود.

۱۶/۱۳/۳. به عنوان بخشی از ORSA، بیمه‌گر باید ارزیابی خود را از کیفیت و کفایت منابع سرمایه، هم در زمینه تعیین سرمایه اقتصادی خود و هم در اثبات برآورده شدن الزامات سرمایه نظارتی با توجه به معیارهای کیفی تعیین شده توسط ناظر و سایر عواملی که بیمه‌گر مرتبط می‌داند، انجام دهد.

تجدید سرمایه

۱۶/۱۳/۴. اگر یک شرکت بیمه متحمل ضررهایی شود که توسط منابع سرمایه‌ای موجودش جذب می‌شوند، ممکن است برای برآورده کردن الزامات سرمایه‌ای نظارتی مداوم و حفظ استراتژی‌های تجاری خود، نیاز به افزایش سرمایه جدید داشته باشد. نمی‌توان فرض کرد که سرمایه در زمان مورد نیاز به راحتی در دسترس خواهد بود. بنابراین، ارزیابی خود شرکت بیمه از کیفیت سرمایه باید موضوع تجدید سرمایه را نیز در نظر بگیرد؛ به ویژه توانایی سرمایه برای جذب مداوم ضررها و میزان تسهیل یا مانع شدن ابزارها یا ساختارهای سرمایه‌ای که شرکت بیمه استفاده می‌کند برای تجدید سرمایه در آینده باید در نظر گرفته شود. به عنوان مثال، اگر یک شرکت بیمه وارد یک توافق تأمین مالی شود که در آن سودهای آینده بلافاصله نقد می‌شوند، کاهش درآمدهای آتی بالقوه شرکت بیمه ممکن است افزایش منابع سرمایه در آینده را دشوارتر کند.

۱۶/۱۳/۵. برای اینکه یک شرکت بیمه بتواند در شرایط استرس مالی، سرمایه خود را تجدید کند، حفظ اعتماد بازار در همه زمان‌ها، از طریق توانایی پرداخت بدهی و مدیریت سرمایه، روابط با سرمایه‌گذاران، ساختار حاکمیتی قوی و رفتار منصفانه در شیوه‌های تجاری، بسیار مهم است. به عنوان مثال، در مواردی که یک شرکت بیمه سهام ممتاز بدون حق رأی منتشر می‌کند، این امر ممکن است بر استحکام ساختار حاکمیتی و ساز و کارهای آن شرکت تأثیر بگذارد. حق رأی متصل به سهام عادی می‌تواند منبع مهمی برای نظم بازار بر مدیریت شرکت بیمه باشد. سایر شرکت‌های بیمه ممکن است ابزارهای سرمایه‌ای با کوپن‌ها و کارمزدهای پایین‌تر منتشر کنند و ارزش اقتصادی دارایی سهامداران و دارندگان اوراق قرضه موجود را فدا کنند.

۱۶/۱۳/۶. وقتی شرایط بازار خوب است، بسیاری از شرکت‌های بیمه باید بتوانند به راحتی حجم کافی از ابزارهای سرمایه‌ای با کیفیت بالا را با سطوح معقول هزینه منتشر کنند. با این حال، وقتی شرایط بازار تحت فشار است، احتمالاً فقط شرکت‌های بیمه‌ای که از نظر کیفیت و کمیت منابع سرمایه‌ای نگهداری شده، سرمایه خوبی دارند، قادر به انتشار ابزارهای سرمایه‌ای با کیفیت بالا خواهند بود. سایر شرکت‌های بیمه ممکن است فقط بتوانند مقادیر محدودی از سرمایه با کیفیت پایین‌تر و با هزینه بالاتر منتشر کنند. بنابراین، ناظر باید مطمئن شود که شرکت‌های بیمه به چنین تغییراتی در شرایط بازار توجه دارند و کیفیت و کمیت منابع سرمایه‌ای خود را به شیوه‌ای آینده‌نگر مدیریت می‌کنند. در این راستا، انتظار می‌رود که ابزارهای سرمایه‌ای با کیفیت بالا (مانند سهام عادی) بخش قابل توجهی از منابع سرمایه‌ای را

در شرایط عادی بازار تشکیل دهند، زیرا این امر به شرکت‌های بیمه امکان می‌دهد حتی در شرایط بحرانی نیز ابزارهای سرمایه‌ای منتشر کنند. چنین رویکردهای مدیریت سرمایه‌ای همچنین به حل مسائل مربوط به چرخه‌های مالی که ممکن است ایجاد شود، به ویژه در الزامات توانگری مالی مبتنی بر ریسک، کمک می‌کند.

جنبه‌های گروهی

۱۶/۱۳/۷. یک گروه بیمه باید به عنوان بخشی از ORSA خود، منابع مالی کلی مورد نیاز برای مدیریت کسب و کار خود را با توجه به اشتباهات ریسک و برنامه‌های تجاری تعیین کرده و نشان دهد که الزامات نظارتی آن برآورده شده است. اقدامات مدیریت ریسک گروه بیمه باید بر اساس محدودیت‌های ریسک مناسب و با در نظر گرفتن سرمایه اقتصادی، الزامات سرمایه نظارتی و منابع مالی آن باشد. بنابراین، سرمایه اقتصادی باید توسط گروه بیمه و همچنین اشخاص حقوقی بیمه آن تعیین شده و محدودیت‌های ریسک و اقدامات مدیریتی مناسب هم برای گروه بیمه و هم برای اشخاص حقوقی بیمه شناسایی شود.

۱۶/۱۳/۸. عوامل کلیدی در سطح گروه که باید در ارزیابی بیمه‌گر از منابع سرمایه‌ای در سطح گروه مورد توجه قرار گیرند عبارتند از: تجهیز چندگانه^{۱۲}، ایجاد سرمایه درون گروهی و تأمین مالی متقابل، اهرم کیفیت سرمایه و قابلیت تبدیل سرمایه و انتقال آزاد دارایی‌ها بین نهادهای گروه.

ORSA - تحلیل تداوم فعالیت

۱۶/۱۴. ناظر موارد زیر را الزامی می‌کند:

- شرکت بیمه، به عنوان بخشی از ORSA خود، توانایی خود برای ادامه فعالیت و مدیریت ریسک و منابع مالی مورد نیاز برای انجام این کار را در یک افق زمانی طولانی‌تر از آنچه به طور معمول برای تعیین الزامات سرمایه نظارتی استفاده می‌شود، تجزیه و تحلیل کند؛
- تجزیه و تحلیل تداوم فعالیت شرکت بیمه برای پرداختن به ترکیبی از عناصر کمی و کیفی در استراتژی تجاری میان‌مدت و بلندمدت شامل پیش‌بینی‌های وضعیت مالی و تجزیه و تحلیل توانایی آن برای برآورده کردن الزامات سرمایه نظارتی آتی.

^{۱۲} تجهیز چندگانه زمانی اتفاق می‌افتد که فرد وابسته، سرمایه نظارتی را به یک نهاد رده سوم منتقل می‌کند و سرمایه ایجاد شده خارجی شرکت مادر برای بار سوم تجهیز می‌شود.

برنامه‌ریزی سرمایه و چشم‌اندازهای آینده‌نگر

۱۶/۱۴/۱. یک بیمه‌گر باید بتواند توانایی مدیریت ریسک خود را در بلندمدت تحت طیف وسیعی از سناریوهای نامطلوب محتمل نشان دهد. بنابراین، برنامه‌های مدیریت سرمایه و پیش‌بینی سرمایه یک بیمه‌گر، کلید استراتژی کلی مدیریت ریسک آن هستند. این موارد باید به بیمه‌گر اجازه دهد تا تعیین کند که چگونه می‌تواند به تغییرات غیرمنتظره در شرایط بازار و اقتصادی، نوآوری‌ها در صنعت و سایر عوامل مانند تحولات جمعیتی، قانونی و نظارتی، پزشکی و اجتماعی پاسخ دهد.

۱۶/۱۴/۲. در صورت لزوم، ناظر باید از شرکت بیمه بخواهد که به صورت دوره‌ای به تحلیل و مدل‌سازی مداوم و آینده‌نگر از وضعیت مالی آتی، از جمله توانایی آن برای برآورده کردن الزامات سرمایه نظارتی تحت شرایط مختلف، بپردازد. شرکت‌های بیمه باید اطمینان حاصل کنند که پیش‌بینی‌های سرمایه و جریان نقدی (قبل و بعد از بحران) و اقدامات مدیریتی که در پیش‌بینی‌های آنها گنجانده شده است، در سطح مدیریت ارشد به اندازه کافی تأیید شده است.

۱۶/۱۴/۳. در انجام تحلیل تداوم فعالیت، بیمه‌گر باید آزمون استرس معکوس را نیز برای شناسایی سناریوهایی که احتمالاً علت شکست کسب‌وکار هستند (مثلاً جایی که کسب‌وکار غیرقابل دوام می‌شود یا بازار اعتماد خود را به آن از دست می‌دهد) و اقدامات لازم برای مدیریت این ریسک، به کار گیرد.

۱۶/۱۴/۴. در نتیجه تحلیل تداوم فعالیت، ناظر باید شرکت‌های بیمه را به حفظ برنامه‌ها و رویه‌های احتیاطی تشویق کند. چنین برنامه‌هایی باید اقدامات جبرانی را که می‌توانند به طور واقع‌بینانه برای بازیابی یا بهبود کفایت سرمایه یا وضعیت جریان نقدی شرکت بیمه پس از برخی رویدادهای استرس‌زا در آینده انجام دهند، شناسایی کرده و ارزیابی کنند که آیا باید از قبل، اقداماتی به عنوان اقدامات احتیاطی توسط شرکت بیمه انجام شود یا خیر؟

پیش‌بینی‌ها

۱۶/۱۴/۵. باید تمایز روشنی بین ارزیابی وضعیت مالی فعلی و پیش‌بینی‌ها، آزمون استرس و تحلیل سناریوهای مورد استفاده برای ارزیابی وضعیت مالی یک بیمه‌گر به منظور مدیریت ریسک استراتژیک، از جمله حفظ توانگری مالی، قائل شد. تحلیل تداوم فعالیت بیمه‌گر باید به تضمین فرآیندها، استراتژی‌ها و سیستم‌های مدیریت ریسک صحیح، مؤثر و کامل کمک کند. همچنین باید به ارزیابی و حفظ مداوم مقادیر، انواع و توزیع منابع مالی مورد نیاز برای پوشش ماهیت و سطح ریسک‌هایی که بیمه‌گر در معرض آن قرار دارد یا ممکن است قرار گیرد، کمک کرده و بیمه‌گر را قادر سازد تا تمام ریسک‌های بااهمیت قابل پیش‌بینی و مرتبط را شناسایی و مدیریت کند. در انجام این کار، بیمه‌گر تأثیر تغییرات

احتمالی در کسب‌وکار یا استراتژی ریسک را بر سطح سرمایه اقتصادی مورد نیاز و همچنین سطح الزامات سرمایه نظارتی ارزیابی می‌کند.

۱۶/۱۴/۶. چنین تحلیل تداوم فعالیتی باید دارای افق زمانی مورد نیاز برای برنامه‌ریزی مؤثر کسب‌وکار (مثلاً ۳ تا ۵ سال) باشد، که طولانی‌تر از زمانی است که معمولاً برای تعیین الزامات سرمایه نظارتی استفاده می‌شود. همچنین باید تأکید بیشتری نسبت به آنچه در الزامات نظارتی در نظر گرفته می‌شود، بر برنامه‌های تجاری جدید و طراحی و قیمت‌گذاری محصول، از جمله اختیار معامله تبعی، و فرضیات مناسب با توجه به نحوه فروش محصولات، داشته باشد. حق بیمه فعلی بیمه‌گر و استراتژی برای حق بیمه آینده، عنصر کلیدی در تحلیل تداوم فعالیت آن است. برای اینکه تحلیل تداوم فعالیت معنادار باقی بماند، بیمه‌گر باید تغییرات در عوامل خارجی مانند رویدادهای احتمالی آینده از جمله تغییرات در وضعیت سیاسی یا اقتصادی را نیز در نظر بگیرد.

ارتباط با استراتژی کسب و کار

۱۶/۱۴/۷. از طریق استفاده از تحلیل تداوم فعالیت، یک شرکت بیمه باید بتواند وضعیت مالی فعلی خود را با پیش‌بینی‌های طرح کسب‌وکار آینده پیوند داده و توانایی خود را برای حفظ وضعیت مالی در آینده تضمین کند. این امر می‌تواند به شرکت بیمه کمک کند تا چارچوب ERM را در عملیات جاری و آینده خود بیشتر بگنجاند.

۱۶/۱۴/۸. یک مدل داخلی نیز می‌تواند برای تحلیل تداوم فعالیت، مورد استفاده قرار گرفته و به بیمه‌گر اجازه دهد تا پیامدهای سرمایه‌ای تصمیمات استراتژیک تجاری را در ارتباط با پروفایل ریسک خود ارزیابی کند. به عنوان مثال، بیمه‌گر ممکن است تصمیم بگیرد که از طریق تنوع‌بخشی با ایجاد انواع مختلف کسب‌وکار، نیاز سرمایه‌ای خود را کاهش دهد تا سرمایه‌ای را که برای مقابله با چنین ریسک‌هایی لازم است، کاهش داده و به طور بالقوه منابع را برای استفاده در جای دیگر آزاد کند. این فرآیند مدیریت سرمایه ممکن است بیمه‌گر را قادر سازد تا به عنوان بخشی از تصمیم‌گیری استراتژیک بلندمدت، میزان سرمایه در معرض ریسک^{۱۳} خود را تغییر دهد.

۱۶/۱۴/۹. در نتیجه چنین تغییرات استراتژیکی، مشخصات ریسک یک بیمه‌گر ممکن است تغییر کند؛ به طوری که ریسک‌های مختلف باید در مدل داخلی آن ارزیابی و کمی شوند. به این ترتیب، یک مدل داخلی می‌تواند در چرخه‌ای از مدیریت ریسک و سرمایه استراتژیک قرار گرفته و ارتباط بین این دو فرآیند را فراهم کند.

۱۶/۱۴/۱۰. یک گروه بیمه باید توانایی خود برای ادامه فعالیت تجاری و مدیریت ریسک و منابع مالی مورد نیاز برای انجام این کار را تجزیه و تحلیل کند. تجزیه و تحلیل گروه بیمه باید توانایی آن را برای ادامه فعالیت به عنوان یک گروه بیمه، تغییرات بالقوه در ساختار گروه و توانایی اشخاص حقوقی آن برای ادامه فعالیت تجاری در نظر بگیرد.

۱۶/۱۴/۱۱. تحلیل تداوم فعالیت یک شخصیت حقوقی بیمه باید حمایت مداوم از گروه، از جمله در دسترس بودن حمایت مالی در شرایط نامساعد و همچنین ریسک‌هایی که ممکن است از گروه به نهاد حقوقی بیمه منتقل شود را ارزیابی کند. نهاد حقوقی بیمه و گروه بیمه باید هر دو ریسک‌های تجاری که با آن مواجه هستند، از جمله تأثیر بالقوه تغییرات در محیط اقتصادی، سیاسی و نظارتی را در نظر بگیرند.

۱۶/۱۴/۱۲. گروه‌های بیمه در تحلیل تداوم فعالیت خود باید توجه ویژه‌ای به این داشته باشند که آیا گروه بیمه جریان‌های نقدی در دسترس خواهد داشت (مثلاً از مازادهای آزاد شده از وجوه بلندمدت یا سود سهام از سایر شرکت‌های تابعه) و آیا این جریان‌ها بین اشخاص حقوقی درون گروه قابل انتقال خواهند بود تا هرگونه پرداخت سود یا اصل وام‌ها را پوشش داده، کسب و کارهای جدید را تأمین مالی کرده و هرگونه بدهی پیش‌بینی شده دیگری را که سررسید می‌شوند، برآورده سازند. گروه‌های بیمه باید اقدامات مدیریتی را که برای مدیریت پیامدهای احتمالی جریان نقدی در شرایط بحرانی انجام می‌دهند (مثلاً کاهش کسب و کارهای جدید یا کاهش سود سهام) تشریح کنند.

۱۶/۱۴/۱۳. تحلیل تداوم فعالیت گروه بیمه همچنین باید توزیع سرمایه در گروه بیمه پس از بحران و احتمال نیاز شرکت‌های تابعه در گروه بیمه به افزایش سرمایه (چه به دلیل نقض الزامات نظارتی محلی، کمبود سرمایه اقتصادی یا به دلایل تجاری دیگر) را در نظر بگیرد. این ارزیابی باید در نظر بگیرد که آیا منابع کافی از مازاد و سرمایه قابل انتقال در جای دیگری از گروه بیمه وجود دارد یا خیر و مشخص کند که چه اقدامات مدیریتی ممکن است لازم باشد که انجام شود (مثلاً جابجایی منابع درون گروهی، سایر معاملات درون گروهی یا تجدید ساختار گروه).

۱۶/۱۴/۱۴. گروه بیمه همچنین باید آزمون استرس معکوس را برای شناسایی سناریوهایی که می‌تواند منجر به شکست شده یا باعث شود که وضعیت مالی گروه بیمه به زیر سطح از پیش تعریف شده سقوط کند و اقدامات لازم برای مدیریت این ریسک را اعمال کند.

برنامه ترمیم

۱۶/۱۵. نهاد ناظر:

- بیمه‌گران را ملزم می‌کند که از قبل، ریسک‌های خاص و گزینه‌های مدیریت ریسک خود را برای بازیابی از استرس شدید ارزیابی کنند؛
- فرآیندی برای ارزیابی منظم اینکه کدام بیمه‌گران ملزم به داشتن برنامه ترمیم هستند، بر اساس معیارهای تعیین‌شده‌ای که ماهیت، مقیاس و پیچیدگی بیمه‌گر را در نظر می‌گیرند، دارد؛
- حداقل، یک برنامه ترمیم را برای هر بیمه‌گری که عدم موفقیت آن از نظر سیستمی مهم یا حیاتی ارزیابی می‌شود، الزامی می‌کند؛
- اطمینان حاصل می‌کند که وقتی یک برنامه ترمیم مورد نیاز است، بیمه‌گر آن را در دست داشته و در صورت لزوم، مرتباً آن را بررسی و به‌روزرسانی می‌کند.

ارزیابی

۱۶/۱۵/۱. هدف از چنین ارزیابی، کمک به شرکت بیمه در درک ریسک‌های خود از موقعیت‌های استرس‌زای شدید و آمادگی بهتر برای ارائه پاسخ مؤثر است. تمرکز بر موقعیت‌هایی است که ریسک جدی برای حیات شرکت بیمه یا هر بخش اساسی از کسب‌وکار آن ایجاد می‌کنند. چنین ارزیابی، شرکت بیمه را تشویق می‌کند تا به عنوان بخشی از چارچوب ERM خود، ساختار سازمانی، شیوه‌های مدیریت ریسک و منابع مالی خود را به صورت پیشگیرانه ارزیابی کند. این امر به شناسایی و رفع آسیب‌پذیری‌ها، بهبود تاب‌آوری کلی و آمادگی برای استرس‌های شدید احتمالی کمک می‌کند.

۱۶/۱۵/۲. هنگام تعیین انتظارات برای ارزیابی و نحوه اعمال آن بر شرکت‌های بیمه مختلف، ناظر باید ماهیت، مقیاس و پیچیدگی شرکت‌های بیمه را در نظر بگیرد. علاوه بر این، ارزیابی باید شرایط خاص مربوط به شرکت بیمه را در صورت وجود در نظر بگیرد.

۱۶/۱۵/۳. عناصر ORSA یک بیمه‌گر می‌تواند برای اطلاع‌رسانی یا به عنوان مبنایی برای ارزیابی ریسک‌های خاص و گزینه‌های خروج از استرس شدید مورد استفاده قرار گیرد.

برنامه ترمیم

۱۶/۱۵/۴. برای برخی از شرکت‌های بیمه، ناظر تشخیص می‌دهد که برای کمک به خروج از وضعیت استرس شدید، یک برنامه ترمیم لازم است. یک برنامه ترمیم، از قبل، گزینه‌هایی را برای بازیابی وضعیت مالی و سودآوری در صورت مواجهه با استرس شدید مشخص می‌کند. تدوین برنامه ترمیم، ماهیت پیشگیرانه دارد. این طرح باید در طول روال عادی کسب و کار و قبل از هرگونه استرس شدید تدوین شود.

۱۶/۱۵/۵. هنگام تدوین معیارهایی برای تصمیم‌گیری در مورد اینکه کدام شرکت‌های بیمه مشمول الزام به اجرای برنامه ترمیم خواهند بود، ناظر باید عواملی مانند موارد زیر را در نظر بگیرد:

- اندازه، فعالیت‌ها و خطوط کسب‌وکار بیمه‌گر؛
- مشخصات ریسک و سازوکارهای مدیریت ریسک بیمه‌گر؛
- سطح جایگزینی فعالیت‌ها یا خطوط کسب‌وکار بیمه‌گر؛
- پیچیدگی ساختار بیمه‌گر، شامل تعداد مناطقی که در آن فعالیت می‌کند؛
- روابط متقابل بیمه‌گر؛
- تأثیر ورشکستگی بیمه‌گر.

ناظر همچنین ممکن است تصمیم بگیرد که برنامه‌های ترمیم را برای حداقل سهم بازار بخش بیمه الزامی کند.

۱۶/۱۵/۶. ناظر همچنین باید هنگام تصمیم‌گیری در مورد سطح جزئیات لازم برای برنامه ترمیم، در صورت نیاز به یک طرح، عوامل فوق را در نظر بگیرد.

۱۶/۱۵/۷. ارزیابی میزان اهمیت سیستمیک بالقوه یک شرکت بیمه باید مطابق با ICP۲۴ (نظارت احتیاطی کلان) باشد.

۱۶/۱۵/۸. یک برنامه ترمیم قرار است به عنوان کمکی برای مدیریت صحیح ریسک به بیمه‌گر خدمت کند. علاوه بر این، اگر بیمه‌گر تحت فشار شدید قرار گیرد، این برنامه می‌تواند به عنوان ورودی ارزشمندی برای ناظر برای هرگونه اقدام نظارتی مورد نیاز عمل کند.

۱۶/۱۵/۹. ناظر باید از بیمه‌گر بخواهد اطلاعات لازم را ارائه دهد تا بتواند استحکام و اعتبار هرگونه برنامه ترمیمی مورد نیاز را ارزیابی کند. اگر ناظر نواقص اساسی در طرح را شناسایی کند، باید بازخورد ارائه دهد و بیمه‌گر را ملزم به رفع این نواقص کند.

۱۶/۱۵/۱۰. ناظر باید از بیمه‌گر بخواهد که هرگونه برنامه ترمیمی مورد نیاز را به طور منظم بررسی کرده و در صورت لزوم، به‌ویژه زمانی که تغییرات اساسی در کسب‌وکار، مشخصات یا ساختار ریسک بیمه‌گر یا هرگونه تغییر دیگری که می‌تواند تأثیر مهمی بر برنامه ترمیمی داشته باشد، رخ می‌دهد، آن را به‌روزرسانی کند.

۱۶/۱۵/۱۱. صرف نظر از اینکه برنامه ترمیم مورد نیاز باشد یا خیر، ناظر باید از بیمه‌گر بخواهد در صورت مواجهه با استرس شدید، اقداماتی را برای ترمیم شرکت انجام دهد. هنگامی که چنین برنامه‌ای مورد نیاز است، باید به عنوان راهنمایی برای بیمه‌گر جهت برنامه‌ریزی و مدیریت سناریوهای استرس شدید عمل کند، اگرچه ماهیت و زمان واقعی اقدامات ترمیمی به شرایط بستگی دارد.

نقش نظارت در مدیریت ریسک سازمانی (ERM) برای اهداف توانگری مالی

۱۶/۱۶. ناظر، چارچوب مدیریت ریسک بنگاه بیمه‌گر، از جمله ORSA، را بررسی می‌کند. در صورت لزوم، ناظر خواستار تقویت چارچوب مدیریت ریسک بنگاه بیمه‌گر، ارزیابی توانگری مالی و فرآیندهای مدیریت سرمایه می‌شود.

۱۶/۱۶/۱. خروجی ORSA یک شرکت بیمه باید به عنوان ابزاری مهم در فرآیند بررسی نظارتی عمل کرده و به ناظر کمک کند تا میزان ریسک و توانگری مالی شرکت بیمه را درک کند.

۱۶/۱۶/۲. چارچوب مدیریت ریسک بنگاه بیمه و فرآیندهای مدیریت ریسک (از جمله کنترل‌های داخلی) برای ارزیابی توانگری حیاتی هستند. بنابراین، ناظر باید با دریافت منظم اطلاعات مناسب، از جمله گزارش ORSA، کفایت و سلامت چارچوب و فرآیندهای مدیریت ریسک یک بیمه‌گر را ارزیابی کند.

۱۶/۱۶/۳. در ارزیابی صحت، مناسب بودن و نقاط قوت و ضعف چارچوب مدیریت ریسک بیمه‌گر، ناظر باید سوالاتی مانند موارد زیر را در نظر بگیرد:

- نقش‌ها و مسئولیت‌ها در چارچوب ERM چیست؟
- آیا شرکت بیمه در محدوده اشتباهی ریسک اعلام شده خود قرار دارد؟
- چه نظارتی بر عناصر برون‌سپاری شده چارچوب ERM ایجاد شده است؟
- چه مدل‌سازی و آزمون استرس (از جمله آزمون استرس معکوس) انجام می‌شود؟
- آیا مدیریت ریسک مدل در چارچوب ERM اعمال شده است؟
- چگونه شرکت بیمه فرهنگ مدیریت ریسک قوی را حفظ کرده که پشتیبانی فعال و تنظیم چارچوب ERM بیمه‌گر را در پاسخ به شرایط متغیر تضمین کند؟

۱۶/۱۶/۴. ناظر باید کنترل‌های داخلی شرکت بیمه را بررسی و کفایت سرمایه آن را پایش کرده و در صورت لزوم، بهبود آن را الزام نماید. در مواردی که از مدل‌های داخلی برای محاسبه الزامات سرمایه نظارتی استفاده می‌شود، تعامل نزدیک بین ناظر و شرکت بیمه اهمیت ویژه‌ای دارد. در این شرایط، ناظر می‌تواند مدل داخلی شرکت بیمه، ورودی‌ها و خروجی‌های آن و فرآیندهای اعتبارسنجی را به عنوان منبعی برای شناخت میزان ریسک و وضعیت توانگری شرکت بیمه در نظر بگیرد.

۱۶/۱۶/۵. ناظر باید تکنیک‌های به کار گرفته شده توسط بیمه‌گر برای مدیریت ریسک و ارزیابی کفایت سرمایه را رصد کرده و در صورت شناسایی نقاط ضعف، اقدامات نظارتی را انجام دهد. ناظر نباید رویکرد یکسانی برای همه بیمه‌گران در مدیریت ریسک اتخاذ کرده، بلکه باید انتظارات خود را بر اساس ماهیت، مقیاس و پیچیدگی کسب‌وکار و ریسک‌های آن تنظیم کند. برای انجام این کار، ناظر باید منابع و قابلیت‌های کافی و مناسب داشته باشد. به عنوان مثال، ناظر ممکن است یک مدل یا برنامه ارزیابی

ریسک داشته باشد که با آن بتواند وضعیت کلی بیمه‌گران (مانند مدیریت ریسک، کفایت سرمایه و وضعیت توانگری) را ارزیابی کرده و احتمال نقض الزامات نظارتی توسط بیمه‌گران را مشخص کند. ناظر همچنین ممکن است حداقل جنبه‌هایی را که یک چارچوب ERM باید به آنها بپردازد، تعیین کند. ۱۶/۱۶/۶. ناظر باید از بیمه‌گر بخواهد اطلاعات مناسبی در مورد چارچوب مدیریت ریسک بنگاه (ERM) و ارزیابی ریسک و توانگری مالی ارائه دهد. این امر باید ارزیابی بلندمدتی از کفایت سرمایه را برای ناظر فراهم کرده تا به ارزیابی بیمه‌گران کمک کند و همچنین بیمه‌گران را به داشتن یک چارچوب مدیریت ریسک سازمانی (ERM) مؤثر تشویق نماید. این امر همچنین می‌تواند با الزام یا تشویق بیمه‌گران به ارائه گزارش وضعیت مالی و توانگری^{۱۴} توسط ناظر محقق شود. چنین گزارشی ممکن است شامل اطلاعاتی مانند موارد زیر باشد:

- شرحی از دسته‌های مهم ریسک که بیمه‌گر با آن مواجه است؛
- اشتباهات ریسک و ساختار محدودیت‌های ریسک بیمه‌گر؛
- نیازهای کلی منابع مالی بیمه‌گر، از جمله سرمایه اقتصادی، الزامات سرمایه نظارتی و همچنین سرمایه موجود برای برآوردن این الزامات؛
- پیش‌بینی چگونگی توسعه چنین عواملی در آینده.

۱۶/۱۶/۷. ناظر باید انعطاف‌پذیر بوده و مهارت‌ها، تجربه و دانش بیمه‌گر را در ارزیابی کفایت بیانیه اشتباهات ریسک در نظر گیرد. ممکن است که او بتواند با بحث با هیئت مدیره و مدیریت ارشد در مورد چگونگی ارتباط استراتژی تجاری بیمه‌گر با بیانیه اشتباهات ریسک و همچنین چگونگی تأثیر اشتباهات ریسک بر تصمیمات بیمه‌گر، کیفیت یک بیانیه اشتباهات ریسک خاص را ارزیابی کند. این شامل بررسی سایر مطالب، مانند اسناد استراتژی، برنامه‌ریزی و گزارش‌های هیئت مدیره در زمینه نحوه تعیین، اجرا و نظارت هیئت مدیره بر اشتباهات ریسک خود است تا اطمینان حاصل شود که ریسک‌پذیری شرکت با بیانیه اشتباهات ریسک مصوب هیئت مدیره همسو است.

۱۶/۱۶/۸. ناظر باید به نتایج اساسی آزمون استرس، تحلیل سناریو و مدل‌سازی ریسک و فرضیات اساسی کلیدی آن‌ها و در صورت درخواست، به سایر نتایج دسترسی داشته تا به او گزارش شود. در مواردی که ناظر معتقد باشد محاسبات انجام شده توسط یک بیمه‌گر باید با محاسبات اضافی تکمیل شود، باید بتواند از بیمه‌گر بخواهد که آن محاسبات اضافی را نیز انجام دهد. در صورتی که ناظر مایل به ارزیابی این باشد که آیا اقدام مناسبی برای مدیریت ریسک ورشکستگی تجاری انجام می‌شود یا خیر، باید آزمون‌های استرس معکوس موجود انجام شده توسط بیمه‌گران را در نظر بگیرد.

۱۶/۱۶/۹. در حالی که شرکت‌های بیمه باید آزمون استرس، تحلیل سناریو و مدل‌سازی ریسک مناسب برای کسب‌وکار خود را انجام دهند، ناظر نیز ممکن است آزمون‌های تجویزی یا استاندارد را تدوین کرده و در صورت لزوم از شرکت‌های بیمه بخواهد که آنها را انجام دهند. یکی از اهداف چنین آزمون‌هایی می‌تواند بهبود هماهنگی آزمون‌ها در بین گروهی از شرکت‌های بیمه مشابه باشد. هدف دیگر می‌تواند ارزیابی وضعیت مالی بخش بیمه در برابر فشارهای اقتصادی، بازار یا سایر فشارهایی باشد که به طور همزمان بر تعدادی از شرکت‌های بیمه اعمال می‌شود (مانند بیماری‌های همه‌گیر، فجایع بزرگ یا تغییرات ناگهانی در سیاست‌ها که می‌تواند ریسک‌های انتقالی یا فیزیکی را افزایش دهد). چنین آزمون‌هایی ممکن است توسط شرکت‌های بیمه منتخب یا همه شرکت‌های بیمه انجام شوند. معیارهایی که ناظر برای سناریوهای آزمون‌های استاندارد استفاده می‌کند، باید منعکس‌کننده محیط ریسک منطقه جغرافیایی باشد.

۱۶/۱۶/۱۰. آزمون استرس آینده‌نگر، تحلیل سناریو و مدل‌سازی ریسک موقعیت‌های سرمایه و جریان‌های نقدی آینده، چه توسط تحلیل تداوم فعالیت خود بیمه‌گر و چه در پاسخ به الزامات نظارتی، ابزاری ارزشمند برای ناظر در ارزیابی وضعیت مالی بیمه‌گران است. چنین آزمونی، بحث بین ناظر و بیمه‌گران را در مورد برنامه‌ریزی مناسب، مقایسه ارزیابی‌های ریسک با نتایج آزمون استرس، مدیریت ریسک و اقدامات مدیریتی، آگاه می‌کند. ناظر باید موقعیت پویای بیمه‌گران را در نظر گرفته و یک ارزیابی سطح بالا از اینکه آیا بیمه‌گر به اندازه کافی سرمایه دارد تا در برابر طیف وسیعی از استرس‌های استاندارد و اختصاصی مقاومت کند، انجام دهد.

۱۶/۱۶/۱۱. در مواردی که یک مدل داخلی، شامل مدل سرمایه اقتصادی، در ORSA یک بیمه‌گر استفاده می‌شود، ناظر باید درک درستی از فرضیات اساسی مورد استفاده به دست آورد. ناظر باید خروجی‌های مدل داخلی را حداقل از دیدگاه‌های زیر بررسی کند:

- دامنه دسته‌بندی‌های ریسک مدل داخلی؛
- اولویت‌بندی ریسک‌ها توسط بیمه‌گر در اشتهای ریسک آن؛ و
- استفاده بیمه‌گر از خروجی‌ها در تصمیم‌گیری‌های مهم مدیریتی در مورد برنامه‌ریزی سرمایه برای برآورده کردن الزامات سرمایه نظارتی.

۱۶/۱۶/۱۲. با بررسی تحلیل تداوم فعالیت بر اساس ORSA بیمه‌گر، ناظر ممکن است بتواند در مورد استحکام وضعیت مالی آینده بیمه‌گر و اطلاعاتی که بیمه‌گر بر اساس آن تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی احتمالی خود را انجام می‌دهد، اطلاعات کسب کند. چنین اطلاعاتی باید ناظر را قادر ساخته تا ارزیابی کند که آیا یک بیمه‌گر باید چارچوب ERM خود را با انجام ارزیابی‌ها و اقدامات جبرانی اضافی - چه بلافاصله، به عنوان یک اقدام پیشگیرانه، و چه از طریق گنجاندن آن‌ها در برنامه‌های آینده - بهبود بخشد یا خیر. اهداف چنین اقدامات نظارتی می‌تواند کاهش هرگونه نارسایی مالی پیش‌بینی‌شده،

بهبود جریان‌های نقدی و یا افزایش توانایی بیمه‌گر برای بازیابی کفایت سرمایه خود پس از وقایع استرس‌زا باشد.

۱۶/۱۶/۱۳. افشای عمومی اطلاعات در مورد مدیریت ریسک می‌تواند شفافیت و قابلیت مقایسه الزامات موجود در مورد توانگری مالی را بهبود بخشد. باید تعادل مناسبی بین سطح اطلاعات مورد نیاز برای افشای مدیریت ریسک بیمه‌گر در مقابل سطح اطلاعات کافی برای ذینفعان خارجی و داخلی که مفید و معنادار است، وجود داشته باشد. بنابراین، الزامات افشای عمومی اطلاعات در مورد مدیریت ریسک از جمله افشای احتمالی عناصر گزارش وضعیت مالی و توانگری باید توسط ناظر با دقت و با در نظر گرفتن ماهیت خصوصی اطلاعات، مورد بررسی قرار گیرد.

۱۶/۱۶/۱۴. در مواردی که مدیریت ریسک و ارزیابی توانگری یک بیمه‌گر توسط ناظر کافی تلقی نشود، ناظر باید اقدامات مناسبی را انجام دهد. این موضوع می‌تواند به صورت گزارش نظارتی بیشتر یا الزامات کیفی و کمی اضافی ناشی از ارزیابی ناظر باشد. الزامات کمی اضافی فقط باید در شرایط مناسب اعمال شده و تابع یک چارچوب نظارتی شفاف باشند. در غیر این صورت، اگر به طور معمول اعمال شوند، چنین اقداماتی ممکن است به کارگیری مداوم رویکردهای استاندارد در مورد الزامات سرمایه نظارتی را تضعیف کند.

جنبه‌های گروهی

۱۶/۱۶/۱۵. در ارزیابی صحت، مناسب بودن و نقاط قوت و ضعف چارچوب مدیریت ریسک سازمانی گروه، ناظر کل گروه باید سوالاتی مانند موارد زیر را در نظر بگیرد:

- چارچوب مدیریت ریسک سازمانی (ERM) گروه چقدر با گروه متناسب است؟
- آیا تصمیمات به طور مناسب تحت تأثیر خروجی‌های چارچوب مدیریت ریسک سازمانی گروه قرار می‌گیرند؟
- چارچوب مدیریت ریسک سازمانی گروه چقدر به تغییرات در کسب‌وکارهای انفرادی و ساختار گروه واکنش نشان می‌دهد؟
- این چارچوب چگونه معاملات درون‌گروهی، کاهش ریسک و محدودیت‌های مربوط به قابلیت تبدیل سرمایه، قابلیت انتقال دارایی‌ها و نقدینگی را در نظر می‌گیرد؟

۱۶/۱۶/۱۶. ناظر کل گروه باید مدیریت ریسک و وضعیت مالی گروه بیمه را بررسی کند. در صورت لزوم، او باید تقویت فرآیندهای مدیریت ریسک، ارزیابی توانگری و مدیریت سرمایه گروه بیمه را متناسب با ماهیت، مقیاس و پیچیدگی ریسک‌ها در سطح گروه الزامی کند. همچنین باید سایر ناظران درگیر را از هرگونه اقدام مورد نیاز مطلع کند.

۱۶/۱۶/۱۷. بررسی و ارزیابی نظارتی چارچوب مدیریت ریسک سازمانی گروه بیمه باید مناسب بودن چارچوب را به عنوان مبنایی برای ارزیابی توانگری کل گروه در نظر بگیرد. ترتیبات مربوط به مدیریت تضاد منافع در یک گروه بیمه باید در بررسی نظارتی و ارزیابی چارچوب مدیریت ریسک بنگاه (ERM) یک گروه بیمه، مورد توجه ویژه قرار گیرد.

۱۶/۱۶/۱۸. ارزیابی نظارتی چارچوب مدیریت ریسک سازمانی (ERM) گروه ممکن است بر سطح سرمایه‌ای که گروه بیمه برای اهداف نظارتی و هرگونه محدودیت نظارتی اعمال شده، ملزم به نگهداری آن است، تأثیر بگذارد. برای مثال، ناظر کل گروه ممکن است تغییراتی را در شناسایی تنوع در گروه بیمه، ذخیره ریسک عملیاتی و تخصیص سرمایه در گروه بیمه الزامی کند.

۱۶/۱۶/۱۹. اگرچه به طور کلی برای یک نهاد حقوقی بیمه یا یک گروه بیمه به استفاده از مدل‌های داخلی برای انجام ORSA خود الزامی نیست، ناظر ممکن است در موارد خاص استفاده از مدل‌های داخلی ORSA را برای دستیابی به یک چارچوب مدیریت ریسک بنگاه (ERM) مناسب بداند. کیفیت ORSA یک گروه بیمه به میزان ادغام مدل‌های سرمایه داخلی آن، میزان در نظر گرفتن محدودیت‌های مربوط به قابلیت تبدیل سرمایه و توانایی آن در مدل‌سازی تغییرات، انتقال ریسک‌ها و کاهش ریسک در سراسر گروه بیمه بستگی دارد. این عوامل باید توسط ناظر کل گروه در بررسی ORSA گروه بیمه در نظر گرفته شوند.

۱۶/۱۶/۲۰. ناظر ممکن است بخواهد معیارها یا تحلیل‌هایی را به عنوان بخشی از ارزیابی‌های نظارتی ریسک برای دستیابی به نظارت مؤثر و ثبات در بین گروه‌های بیمه مشخص کند. به عنوان مثال، این می‌تواند شامل آزمون‌های استرس تجویز شده‌ای باشد که برای گروه‌های بیمه اعمال می‌شوند.